

تهاجم ضد انقلاب و ضرورت اتحاد عمل

پس از کشف توطئه اخیر ارتشیان که در ارتباط با بورژوازی لیبرال و شبکه های جاسوسی و ضد انقلاب با سابق سازمان پانده شده بود، خرده بورژوازی حاکم تعرض آشکاری را به مواضع لیبرالها آغاز کرده است. اما آیا این تنها مشخصه اوضاع ماست؟ آیا خرده بورژوازی حاکم تنها بر علیه بورژوازی لیبرالها دست به تعرض زده است؟ پاسخ به این سئوالات میتواند مرزبان تحلیل پرولتری و تحلیل بورژوایی را روشن نماید. تنها وقتی ما بتوانیم از دریچه انقلاب آنچه را به پیش میرویم و آنچه را در حفظ وضع موجود بطور کلی میکوشند و سدها و توسعه انقلاب میباشند متوجه کنیم، آنگاه میتوانیم بدستی خط سیر اصلی اوضاع را در پیمایش و آنرا آنگاه ها دنبال کنیم.

جریانات اخیر انجام بلوک سیاسی حاکم را یکبار دیگر در ناچار زنگاری شدید قرار داد. دو جناح حکومت خود به جان یکدیگر افتاده اند. مبارزه آنها مبارزه ای بر سر عاده نظم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، به طرق و شیوه های متفاوت است. یکی از سرمایه انحصاری وابسته میخواستند هر چه زود تر و بهر طریق خود را مستولی کنند و امپریالیسم موقعیت قدیم خویش را با ربا بسد و دیگری ضمن حفظ همین سیستم موجود تن به شرایط امپریالیسم و موقعیت قبلی سرمایه انحصاری وابسته نمیدهد. ما در نوشته های خویش این مسئله را جدگانه شکافته و نشان داده ایم. بهر سرتیب پس از این جریانات افشگری علیه "میلیون" بقیه در صفحه ۲۰

(کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند) (ولادیمیر ایلیچ لینن)



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۳ دوشنبه ۱۳ مرداد ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

(۱)

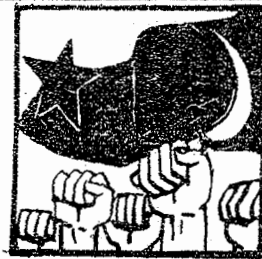
بورژوازی

یک سال ونیم پس از قیام

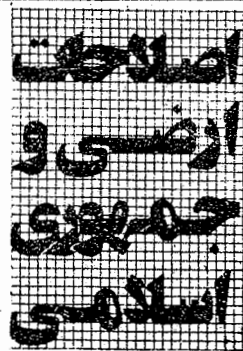
وسیع مبارزه توده ها رو بروست، در هر جا که نتوان بر احمق برهیجان توده ها غلبه کرد، متوسل به سلاح گرم میگردد. هیچکس به خاطر نداشتن درک درستی یکسال ونیم گذشته حتی برای نمونه چند مورد از اعتراضات انقلابی وجود داشته باشد که در برابر شان هیات حاکمه به زور و بهار و ما را گردن معترضین توسل نجسته باشد. بویژه هر جا توده ها با ابتکار خود دست به اداره مزارع و یا کارخانه خود زدند، هر جا کارگران خواهان کنترل شدید کارخانه و اداره آن بودند و یا میخواستند آزادی کامل کنند، "قهرمشکل" یعنی پاسداران، ارتش، کمیته ها و دسته های مزدور دولتی به جان آنها افتادند و این حرکت توده ها را با متوقف ساختند. بقیه در صفحه ۳۰

جوامع طبقاتی پیوسته آشکارا روپنهان آرام و تند، آوردگاه مبارزه طبقاتی هستند. مبارزه های که در اعماق موج میزند و همه چیز را در خود فرو میبرد و سرانجام طومار جوامع طبقاتی را در سیر فزاینده و آگاهانه خود در هم میبندد. مبارزه ای که به سرعت با تکامل خود، نیروهای انقلابی را به جلو و نیروهای عقب افتاده و ضد انقلابی را به تار و پخ مرده ملحق میسازد. چنین مبارزه ای اینک، مخصوص پس از قیام بیمن ماه سر تا سر ایران را در خود میفشرد.

کارگران و توده ها، دهقانان و زحمتکشان شهری هر روز با مسائل کوچک و بزرگ مواجهند. و ناگزیر بزرنگا و حتی برای ساده ترین خواسته های خود به تعرض میادرت کنند. هيات حاکمه نیز که با ابعاد



قسمت پنجم



لایحه قانونی اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی برخلاف آنچه در اسفند ۵۸ و در اشرک جنگ دوم گنبد دعا شد، در واقع در ۲۶ فروردین ۵۹ از تصویب شورای انقلاب گذشت. این لایحه کلیات طرح اصلاحات ارضی مبنی بر واگذاری اراضی، تشکیل هیات ۵ نفره مرکزی و هیاتهای ۷ نفره محلی و نحوه برخورد کلی به مالکیت مالکین بزرگ مشخص شده بود. اما جزئیات نحوه اجرای آن کماکان مورد بحث و کشمکش درون هیات حاکمه قرار داشت. کشمشی که بر سر تدوین و تصویب آن بین نامه اجرایی این لایحه ادامه داشت و تا اواخر خرداد ماه ۵۹ به درازا کشید. بقیه در صفحه ۷

- در پیک رزمندگان میخوانید
- حقایق جلادان رفیق شهید تقی شهرام را سواثر میکنند!
 - شاه دوباره مرد!
 - گرامی باد سالروز ۱۴ مرداد!
 - بحث بعد از مرگ شاه!
 - آیام جاهدین خلق از مبارزه طبقاتی درس می گیرند؟! بمب گذاری ضد انقلاب، تنها نه زین برای دستگیری انقلابیون
 - اخبار کارگری
 - اخبار کردستان قهرمان
 - اخبار کوناه

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

آغاز می شود و حتی رادیو عنایا ستارخان، با ترخان و مصدق، رهبران جنبش ملی را در کنار خائنین از قبیل نژیبه، امیرانتظام، بختیار و دیگران به یاد حمله میگرداند آن را دشمن خلق و دوست امیرالایسم می نامند. (روز چهارشنبه ۸ مرداد)، در مجلس شورای اسلامی "گفته میشود: اجزای ضد انقلابی از قبیل جبهه ملی باید منحل شوند" و "۱۰۰۰۰ این جریان در وجه اول ممکن است واقعا دست و پای کسی را که به یک وجه هر پدیده ای توجه میکنند ببینند. بویژه آنکه مسأله شاهر درگیریهای علی بن بر سر تعیین نخست وزیر می باشیم. حتی تعیین آن اعلام میگردد و روز بعد در یک نشست و با با پیام و فرمانی لغو میگردد. پس چیزی که ما باید بدان توجه کنیم چیست؟

جنبش انقلابی آن وجه دیگری میباشد که با یک قانون دقت و بررسی ما را تشکیل دهد. ضد انقلاب حاکم علی رغم هرگونه اختلاف و تضاد که در درون خود داشته باشد و علی رغم هرگونه تضادی که با ضد انقلاب سابق دارد، برای لحظه ای کوتاه نیز چشم از مبارزه توده ها بر نمی دارد. جنبش انقلابی هیات حاکمه را به پوشیدن چکمه کشانده است. آنها به خوبی دریافته اند که حتی خطر کودتا، خطر ضد انقلاب سابق نیز به تقویت نیروهای انقلابی منجر میگردد. همه "بحرانهای سیاسی و اقتصادی یک سال ونیم اخیر به تقویت نیروهای انقلابی منجر گردیده و با وجود نوسانات و تحولات گوناگونی که در رویه حیات مردم و جانبداری آنها از انقلابیون و با توهم نسبت به حکومت

سپهرن میگردد. هیات حاکمه و جناح خرده بورژوازی آن که به این مسئله وقوف دارد، از ترس این نیروها یعنی از ترس انقلاب، در زمانیکه معلوم شده است نیروهای ارتش دست نشانده و مزدور و نزدیک به بورژوازی لیبرال، همان کسانی که خود حکومت جدید آنها را منصوب و ابقاء کرده است به کودتا و توطئه میزنند، در چنین زمانی در نماز جمعه خود فریاد بر می آورد: ارتش ما بدن سالمی است زیرا شیئی خارجی یعنی کودتا چنان را از خود رانده است! آو آیه، الله خمینی نیز به تطهیر ارتش میپردازد. آنها در برابر توده ها از ارگان هایی که باید بدان در سرکوب و کشتار نگاه نمایند، دفاع میکنند و نمی گذارند مردم پی به ماهیت این ارتش بگردند.

در عوض هیات حاکمه چه میکند؟ این خرده بورژوازی حاکم در همه جا به نیروهای انقلابی و حشیانه حمله و رمیشودتنها در طی همین روزهای اخیر ما شاهد اعدام انقلابیون و کما رگران مبارز بوده ایم. اعدام رفیق شهرام و رفیق فرامرز حمید، اعدام چندتن از کارگران مبارز اندیمشک، دستگیری و اعدام یکی از اعضای شورای مرکزی ترکمن صحرا همگی از چه حکایت میکنند؟ اعدام کمونیستها به جرم کمونیست بودن و یا تعلق به این یا آن سازمان کمونیستی که زمانی حکومت جرات آنرا نداشت رسمی شده است. سال جدید بویژه سال گسترش تعرض به نیروهای انقلابی، دستگیری، تعقیب، ممنوعیت نشریات سیاسی، و... بوده است. رشد

"مجلس شورای اسلامی" که در واقع انجمن عمومی هیات حاکمه است، خواهان جلوگیری از تبلیغات و فعالیت نیروهای کمونیست و سایر انقلابیون میگردد و آنها را در ردیف حزب توده و جبهه ملی مورد حمله قرار میدهد.

آنها در کردستان حتی با نیروهای ضد انقلاب سابق، عملاً درگیر جنگ

هستند، اما برای یک ساعت هم گه شده یا شد مبارزه بر علیه خلق کرد را قطع نکرده اند. بیوسته نیروهای خود را در کردستان به سمت مناطقی که هنوز در دست خلق کرده است گسیل میدارند و سعی نیست که به توطئه علیه خلق کرد مشغول نباشند.

آنها بی شرمانه و وفیانه انقلابیون را متحد امیرالایسم می نامند. و به بهانه مبارزه با امیرالایسم هم که شده با ضد انقلاب بیون را سرکوب میکنند. از نظر حکومت انقلابیون "کفار حربی" هستند و شایسته قتل عام. توده های انقلابی، کارگران و زحمتکشان "کفار حربی" هستند و شایسته کشتار! بنا بر این نمیتوان حتی برای یک لحظه هم که شده با شادین جنبه از عملکرد هیات حاکمه را، همه جناحهایش را و جناح مسلط و قدرتمندش یعنی خرده بورژوازی حاکم را ندیده گرفت. این سیر ثابت و دائمی هیات حاکمه است: تا زمانی که توده ها مبارزه میکنند، تا زمانی که نیروهای کمونیست و انقلابی، توده ها را آنگاه میکنند و برای مبارزه سازماندهی می نمایند، تا زمانی که انقلاب به پیش میرود ضد انقلاب برکوب و کشتار خود را ادامه خواهد داد تا مگر بر آن غلبه نماید. و چون ما سراسر انقلاب، برای آزادی واقعی کارگران و توده های دهقان و زحمتکش شهری مبارزه میکنیم، چون به پیش میرویم، پیوسته مورد حمله و تعرض، قتل و اعدام و... واقع خواهیم شد. انقلاب خط دیگری را نمی شناسد. ضد انقلاب حاکم نیز پیش از هر چیز در برابر انقلاب فرار دارد. هر شرایط دیگری که در آن ضد انقلاب حاکم تجزیه شود، و یا سازش های لنینیستی

و تاکتیکی در مبارزه لازم گردد، نمی تواند در حال حاضر بر این حقیقت ساپه افکند و آنرا تاریک سازد. ما در سرمقاله و سایر مقالات رزمندگان شماره ۱۳، حتی، شرایطی که نیروهای بختیار، کودتا چنان، امیرالایسم و... متحد و وارد عمل شده اند بررسی کردیم و تاکتیک صحیح را در آن شرایط ارائه دادیم.

هم اکنون ما مواجه با موجی اپورتونیستی هستیم که زیربنا به مبارزه با امیرالایسم بورژوازی لیبرال و غیره توصیه میکنند چشم خود را بندیم و فراموش کنیم که برای مبارزه انقلابی باید بطور انقلابی مبارزه کرد. ای آزادی توده انقلابی باید انقلاب توده ای را سازمان داد و برای پیشبرد انقلاب باید با ضد انقلاب مبارزه نمود.

اما اپورتونیست های جنبش ما بلافاصله سؤال میکنند: مگر نمیگویند شیداها با ضد انقلاب سابق میجنگند! و تضادهایی با بورژوازی لیبرال دارند! پس چرا نباید با آنها متحد شد؟ چرا نباید با این نیروها بر علیه آن دیگری متحد گردید؟

این ترجیح بندهمه! اپورتونیست ها در شرایط مشابه اوضاع ماست. آنها نمی گویند و افعال آنها کسان می توانند ضد انقلاب سابق و ضد انقلاب جدید؟ آنها بیا حاکم هر دو را بنا بود کنند؟ آنها بیا توضیح نمی دهند که وقتی هیات حاکمه به سرکوب انقلاب میپردازد و انقلابیون در اس توده ها انقلاب را به پیش میبرند، کدام یک ضد انقلابی است و به ضد انقلاب سابق خدمت میکند؟

هم اکنون ما مواجه با موجی اپورتونیستی هستیم که زیربنا به مبارزه با امیرالایسم بورژوازی لیبرال و غیره توصیه میکنند چشم خود را بندیم و فراموش کنیم که برای مبارزه انقلابی باید بطور انقلابی مبارزه کرد. برای آزادی توده ها انقلابی باید با ضد انقلاب با بدبنا ضد انقلاب مبارزه نمود.

مبارزه انقلابی، مبارزه ای است که هیات حاکمه کنونی را بر خلاف ادعای اپورتونیستها در بر نمی گیرد. سازمان دهی انقلابی توده ها، سازماندهی مستقل آنهاست و خواه بر علیه ضد انقلاب حاکم، با نیروها و عوام مسلط امیرالایسم آمریکا، بختیار، رهساز و اویسی و... این تنها از کوران و کوران برمی آید که ندانند در حال حاضر چه بقیه در صفحه ۶

آنها بی شرمانه و وفیانه انقلابیون را متحد امیرالایسم می نامند و با بهانه مبارزه با امیرالایسم هم گه شده با ضد انقلابیون را سرکوب میکنند. از نظر حکومت انقلابیون "کفار حربی" هستند و شایسته قتل عام. توده های انقلابی، کارگران و زحمتکشان "کفار حربی" هستند و شایسته کشتار!

نیروهای انقلابی حکومت را به ترس انداخته و آنها که در واقع از توده ها و جنبش انقلابی بیشتر از هر چیز دیگری ترسند، در بدترین شرایط از تاج و نیروهای امیرالایسم امریکا گرفته تا حمله افراد مزدور اویسی و شاهر بختیار و با توطئه کودتا در ارتش، در همه این حالات سرکوب انقلاب را فراموش نمیکنند.

بقیه از صفحه ۱۴

بورژوازی

و با به مجرای قهرآ میزوحا دکشا نیندند . بحران سیاسی درحاکمیت وتوسعه مبارزه طبقاتی ، بحران اقتصادی پیش از قیام رادائما تشدید کرده است . نه تنها بسیاری مشکلات توده ها همچنان لاینحل مانده بلکه بحران سیاسی حاکم برجامعه عمیق و عمیق تر گردیده است . بیگساری ، تورم ، فقر و فلاکت کارگران وتوده های زحمتکش را تحت فشار قرار داده است . سرما به داران حاضریه سرما به گذاری نیستند . و هیات حاکمه نیز توانایی برآه انداختن چرخهای اقتصاد را ندارد . آنچه که برای بحران دامن میزند ، بحران درحاکمیت سیاسی است . همانطور که بارها گفته ایم این بحران ناشی از انباشت وسیع جنبش توده ای ونیز ترکیب هیات حاکمه میباشد .

ما در اینجا به بررسی این بحران ، ویژگیهای آن ومراحلی که طی یکسال ونیم پس از قیام از سر گذرانده میگردیم . بررسی بحران درحاکمیت سیاسی از چندین لحاظ اهمیت دارد . از یکطرف ما را به خصیصه تضادها واختلافات درون هیات حاکمه وجنبه های وحدت وتضاد دبلوک سیاسی حاکم واقف میگرداند . و از طرف دیگر خط سیر تضادهای درون هیات حاکمه را از لحاظ تحولات بعدی آن بو بزه درارتباط با مبارزات طبقاتی جامعه به ما نشان میدهد . وقتی ترکیب وحركت حکومت وقدرت سیاسی موجود حاکم بر ما روشن گردید آنگاه ما میتوانیم تاکتیک های مبارزه توده ها را براساس سطح مبارزه آنها وبحران شدید حاکم بر ما وضع اقتصادی - سیاسی واضخرد و قیقترطر جزئیتری و به مرحله عمل درآوریم .

هدف اصلی ما در این نوشته بررسی وضعیت بورژوازی حاکم از قیام بدینسو میباشد . طبیعا این بررسی در متن همان بحران عمومی که گفتیم انجام میپذیرد و به سه دوره تقسیم میگردد . این سه دوران با نقاط عطف مربوط به غلبه همسازی و درگیری در درون بلوک و با تشدید آن از هم متمایز میگردند . این دوره ها در متنی از مبارزه توده ها ، شرایط بحرانی داخلی و بین المللی جریان داشته اند و این عوامل به تناسب بزوری این دوران وتغییر آن تاثیر داشته اند .

قیام بهمن ماه ، آغاز دوره اول محسوب می گردد . آنچه قیام بوجود آورد ، پیش از آنکه محصول قیام باشد محصول ضد قیام ، یعنی محصول سازش رهبران جنبش ۷ - ۵۶ میباشد . بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی که متحد در رهبری جنبش قرار داشتند ، با قیام مغالط بودند و با هیچ چیز دربار آن نگفتند جز آنکه آیت الله خمینی درست در همان هنگامی که توده ها بزرگ و باروهای دیکتاتوری شاه وارثش عریض و طویلش را درهم میشکستند قریباً دمیزند : "هنوز دستور چه جا ننداده ام!"

پیش از این نمایندگان خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال با بختیاری و بسیاری عوامل اصلی رژیم شاه پیرامون چگونگی انتقال مسالمت آمیز حکومت سخن گفته اند . و حتی بختیاری استعغای خود را نوشته برای امام میفرستد . اگر

خرده بورژوازی حاکم ، بنا بر طبیعت طبقاتی خود تضاد می که با سرما به بزرگ دارد ، تدریجاً درمی یابد که بورژوازی لیبرال ها نه در موضع آنها در بر خورد با سرما به بزرگ ، که در موضع دفاع ونمایندگی سیاسی طبقه بورژوازی وبطریق اولی سرما به انحصاری وامیریا لیسیم هستند .

شاه پرستان در این زمان در فکر کودتا هستند ، توده ها در فکر انقلابند . آنها تعرض را آغاز میکنند . توده ها منتظر فرمان "جهاد" نمی نشینند ، دست به "قیام" میزنند . قیام ما را در رهبران جنبش نبود ، اراده توده های پیوسته هرگز نداشتند بودند رهبران آنها بیشتر از هر چیز بفریبها تیه های "اعلام همبستگی" از طرف ارتش وارگانها ی سرکوب حکومت سابق بودند . امیریا لیسیم آمریکا با اتکا به بورژوازی و روحیه و خصایسل ضد کمونیستی خرده بورژوازی مرفه سنتی ، تن به عقب نشینی و در واقع تسلیم میدهد . زیرا در هر حال ادا به جنبش انقلابی وتوسعه مبارزه قهر آمیز تنها میتوانست نیروهای رادیکال وانقلابی را رشد دهد . در مقابل رژیم شاه ، یک رژیم جدید که در آن بورژوازی حضور دارد وارگانهای قهر و سرکوب دست نخورده میمانند نمیتوانند بهتراز رژیم ما باشد که به معنی واقعی ، تکلیف را یکسره کند . یعنی رژیمی که در ادامه جنبش برآشرداوم مبارزه انقلابی ممکن بود بوجود آید . خرده بورژوازی برجینش توده ها وموقعیت خود در میان انبوه وسیع مردم متکی بود ، و بورژوازی لیبرال به موقعیت تاریخی خود ونقش واسطه ای که در رابطه با امیریا لیسیم داشت . چنین بود که حکومت جدید بلوک سیاسی متشکل از بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی از سویی بر سازش و از سوی دیگر بر انعاما دومبارزه توده ها سوار بود .

خرده بورژوازی حاکم ، پیش از هر چیز پایه های جمهوری مذهبی خود را میریزد . شکل های خود را ایجاد میکند و تکلیف خود را تا آنجا که میتواند و شرعی است بسا سا و اکیها و سران ارتش روشن میکند .

حکومت جدید ، ماشین دولتی را از چنگ مردم نجات داد وتوده های انقلابی را توسطه گسرنامید . آنها به احیای نظم قدیم پرداختند وارگانهای سرکوب رویه ویرانی را با فتوی ها و اعلا

میهای خود از زیر آتشبار مرگ آفرین توده ها نجات دادند و از با گیری ارگانهای توده ای وارث انقلابی جلوگیری کردند . در محرکاه اولیین روز حاکمیت نسوین اعلام شد مبارزه طبقاتی قدغن است . خلق سلاح توده ها آغاز شد و همه آنچه در گذشته بین حکومت نوین را بسوی قدرت رانده بود مذموم وضدانقلابی اطلاق گردید : اعتصاب کم کاری ، تظاهرات ، راهپیمایی و و بدینگونه آنچه در گذشته انقلابی بود ، از طرف هیات حاکمه جدید ضدا انقلابی خوانده شد . اما در مقابل ، انقلاب نیز ضدا انقلاب خود را ، در رهبری خویش پس از قیام مشاهده کرد . رهبران جنبش ۷ - ۵۶ به ضدا انقلاب حاکم تحول یافتند . چنین است منطق تاریخ پیش از آنکه پرولتاریا برچم سرخ خویش را برافرازد و متزلزلین وسازشکاران و خیانتکاران را از صفا انقلاب بیرون بریزد : "تمام دگرگونی ها به جای ناپسودی ماشین دولتی به احیا و بازسازی آن به گونه ای دیگر منجر شدند ، و به جای آنکه جامعه محتوی نوین کسب کند ، دولتی ضدا انقلابی بر روی کار آمد که کهنه ترین شکل خود در برابر توده ها قرار گرفت" نقل به معنی از ۱۸ بروموز . آنچه در برابر توده ها قرار گرفت ، آنچه که پرولتاریا میخواست هنوز درآینده ، در مبارزه ای بی امان ، نهفته بود . در پارسخ کارگران شرکت نفت که گفته بودند ما باید در شورای انقلاب نماینده داشته باشیم ، حکومت جدید گفت : " شما میتوانید در مجلس آئینده ، پارلمان ، نمایندگان خورا بفرستید ! " و برآستی که پرولتاریا نه در مجلس آئینده ، که در حکومت آئینده است که قدرت خویش را نشان خواهد داد .

بهر ترتیب آنچه که تا م هیات حاکمه جدید را بخود گرفت آشکارا متناقض ومملو از تضادها بود . بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی یک نقطه مشترک قوی داشتند . آنها هم انطور که در قیام حرکت توده ها را "توطئه" مینامیدند ، نسبت به توده ای که ممکن بود مسلح شود ، توده ای که آرامانهای خویش را در قیام تحققت یافته میدید ، متغیر نبودند . این توده از همین امروز (۲۲ بهمن) میبایست متوقف گردد . میبایست سرکوب گردد و برای سرکوب آن میبایست آنچه که از دیکتاتوری سابق بجا مانده بود احیا شود ، و یا ارگانهای جدیدی ایجاد گردد . چنین بود که ارتش سرکوبگر ، در استان محراب هیات حاکمه جدید به مذهب گردید والحاد آریا مهری آن به ایمان جمهوری اسلامی تغییر یافت . بازسازی ارگانهای سابق و ایجاد ارگانهای جدید آغاز شد . کمیته های محلی به زودی زیر تسلط خرده بورژوازی حاکم درآمدند وتدریجا به سپاه پاسداران تغییر شکل یافتند . خرده بورژوازی ارگانهای خود را ایجاد میکند . بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی متفقا به سرکوب جنبش انقلابی میپردازند .

میدانیم که در طی جنبش ۷ - ۵۶ و قیام بهمن ماه بورژوازی بوروکرات وابسته و بورژوا

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

بورژوازی...

از خصوصی وابسته ضربات شدید متحمل شدند. آنها گریختند و یا در طی جریان ناآرامی ها...

بورژوازی لیبرالها به احیاء ارتش و انتظام دادن به آن پرداختند و مراکز نظامی را برجسته ای...

حکومت جدید و دعوت های پیاپی بازرگانها را از سرمایه داران می بینند، و می بینند مثال مدنی...

در اینکه بورژوازی لیبرال خرده بورژوازی

حکومت جدید، ماشین دولتی را از جنگ مردم نجات داد و توده های انقلابی را...

حاکم هر دو بالا اتفاق در جهت بازاری سرمایه داری وابسته حرکت میکردند و نمی توانستند...

بورژوازی لیبرالها در مجموع با تائید کامل مسائل روحانیت حاکم که عمدتاً نمایندگی خرده بورژوازی...

قراردادها، تلاش در جهت تحکیم روابط با آمریکا... بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم...

دولت موقت با طرح های ملی کردن منابع و بانکها (که در واقع بود بورژوازی نیز بود)...

بورژوازی حاکم طی "دولت موقت" به دنبال بازگرداندن روال عادی به تولید و به راه انداختن اقتصادند و به این منظور به ایجاد روابط با...

خرده بورژوازی حاکم بیش از هر چیز پیایند های جمهوری مذهبی خود را میریزد. شکل های خود را ایجاد میکند، و تکلیف خود را تا آنجا که...

بورژوازی...

همچنین در توده‌هاست. آنها در ابتدا مدافعان و در پشت سر خرده بورژوازی حاکمند. ارتش اعتماد به نفس خود را هنوز با زنیافته در حالیکه در همه جا کمیته‌ها عمل میکنند. بدینگونه آیت الله خمینی مدتی بعد در ۲۷ مرداد ۵۸ در ضمن اعلام تهاجم وحشیانه ارتش در کردستان خود را "فرمانده کسل قوا" مینامد و چندی پس از این با ادا مه فعالیت "خودسراشته" کمیته‌ها و پایداران بازرگانان میگوید: "من دسته‌چاقویی هستم که تیغه آن دردست دیگری است". از همین زمان است که تضادهای درون یلوک سیاسی حاکم تدریجا خود را می نمایاند. بوضوح معلوم میشود که در واقع بورژوازی لیبرال در حکومت از منافع سرمایه انحصاری وابسته مصرانه دفاع میکند و خواهان تغییر در اوضاع نیست. بورژوازی انحصاری وابسته که نمایندگان اصلیش گریخته اند و خودش تاروما شده است اینک در پناه بورژوازی لیبرال در صدد احیای وضعیت سابق خویش است. سرمایه انحصاری نمایندگی خود را در حاکمیت به بورژوازی لیبرال تفویض میکند. بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت موقت روبه تزا بد میگذارد. در جریان انتخابات بات مجلس خبرگان برای "تدوین یا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی" امیرانتظام

به یاد رفیق شهید تقی شهبام

مرثیه سرخ



اینک

که سینه پر ز مهر خلقت
با آتش کینه بکارگران
گلوه نشان میشود،
خودنیک میدانی
که قطره‌های روشن خونت
بر پرچم مقدس خونیشان
از سرب سرخ
برای پیکر سرمایه
پیرایه میشود.

چشان پرفروغ

اینک

که بر ردیف سلاح فرومایگان
بسردی صخره‌های برف آلود کوهساران
نظاره میکند،

نیک می بیند

روزهای روشن فردا را،
آنجا که سلاح کارگران
سینه استنما را
هدف قرار میدهد.
لیخن در پیرلا بتت

اینک

مرگ ایستاده و سرش را ز افتخار را
منتظر مانده است،
تا فریاد آرامت
لبانت را

بسوی جهان آفرینندگان جهان
ترک گوید.

و بر آنان بیامرد،
که "بیا خیزیدای کارگران!"
"بیا خیزیدای زحمتکشان!"
دروازه‌های ظلم و استثمار
در انتظار رگشوده شدن
با دستهای دوران ساز شماست.

کمکهای مالی دریافت شده

برای اطمینان شما از دریافت کمک‌های مالیستان به سازمان یک عدد بنام کد انتخاب کرده و به همراه حرف اول نام خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در نشریه درج میکنیم

الف	ج	ظ
۵۰۱۴۵	۱۰۲۳	۲۰۳۸
۱۳۰۱۷	۵۰۰۱	
۶۰۳۳۲	ک	ع
۱۰۱۱۶	۱۰۰۴۵	۵۰۰۶
۵۰۰۲	ل	م
۱۳۰۱۷	۲۰۰۷۵	۴۰۱۵۰
پ	س	۴۰۲۳
۱۶۰۰۰	۲۸۰۱۴	۱۲۰۹۰
ت	۲۰۰۱۴	۳۰۰۵
۴۰۱۳۲	ش	۳۰۴۱
۴۰۲۳۵	۶۵۱۷۰	۴۵۰۴۲
ج	ن	۳۰۰۵
۲۵۱۱	۱۴۵۰۰	۲۰۰۰۵۰
۲۰۱۴۰	ف	ه
۲۰۰۶۲	۵۰۱۸	۲۱۲۴
۲۰۰۳	۲۱۲۴	۶۶۶۶
د	۳۰۰۵۷	۱۰۰۵۰
۲۹۰۰	۵۹۹۹-۲	و-۱۱۰۷۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و از تجاع داخلی!

سرمقاله

بقیه از صفحه ۲۰

کسانی سرکوبگرترده‌ها هستند و وقتی بختیارها و اوپسی وهمه نیروهای امپریالیستی بنا به تفاهای موجود و اداریه دخالت یا درگیری با حکومت گردند دنیا بیدار سیرا این جنبه از حرکت حکومت گردیم و در هر حال با پیدا استقلال خود را در مبارزه انقلابی بی حفظ کنیم راه قطعی در مبارزه بر علیه هرگونه اقدام ضد انقلاب سابقه حاکم بسیج توده‌هاست و بسیج توده‌ها، بسیج آنها، برای انقلاب بر علیه هر نوع ضد انقلاب است. ایمن ما نیستیم که برای مقابله با ضد انقلاب سابق با دیدن پرپرچم حکومت برویم. اگر حکومت واقعا میخواهد با ضد انقلاب سابق مبارزه کند، نباید انقلاب را سرکوب کند و چون چنین است انقلاب راه سوم خود را جدا از هر دو ضد انقلاب به پیش نواهد برد. با زشکاری مجاهدین، در سخت ترین شرایط نیز مله هم از همین موضوع است. کمتر کسی نمیداند که بورژوازی حاکم خود نیرویی در جهت متحد امپریالیسم میباشد. اما مجاهدین خلق با طرح

خطر "ارتجاع" که همان خرده بورژوازی حاکم باشد بیدار من دیگری می افتند. مجاهدین منتظر قانونی نشسته اند تا فعالیت آنها را آزاد بگذارد که

تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی بیشتر از هر زمان ضرورت دارد. وحدت یگانه راه تا شرجی و فعال و قاطع بر جنبش انقلابی است. بدون قطب کمونیستی که بتواند جویند رهای پراکنده را در بستروا حدی هدایت کند، مبارزه انقلابی بی ناسمان باقی خواهد ماند. هر کس در این راه گام برنهد و جویند رهای پراکنده را بستروا حدی هدایت کند، مبارزه انقلابی را شکست دهد و با یک مبارزه آید و لوژیکی جدی و فشرده به این مجرای پای نگذارد، به جز تشتت و پراکندگی و لاجرم ضربه زدن به جنبش انقلابی در چنین اوضاع متحولی، کاری نکرده است.

خود این قانون و مواضع و مذا فغان آن، مخالف فعالیت آنها است. "قانون انقلاب" توده‌ها هستند و

"قانون حکومت" در مبارزه البته بنا به ضرورت، لازم است اما نباید از این قانون انتظار داشت به موجودیت ما و مبارزه کلی ما صحنه بگذارد. این قانون در هر حال قانونی است که مشروعیت ضد انقلاب را و سرکوب و کشتار آنرا مقدس میکند. مجاهدین خلق با قطع انتشار نشریه خود و موکول کردن آن به "اجازه از وزارت کشور".

ترک حضور فعال در جنبش انقلابی و حتی زیر سؤال قرار دادن موجودیت خود، در واقع موجودیت جنبش انقلابی را نیز زیر سؤال میکشند. در شرایطی که بیش از هر زمان دیگر دنیا ز به افشاکری حکومت و دفاع از آزادی نهی دمکراتیک مردم احساس میشود، در شرایطی که جنبش انقلابی میروند تا در سیر و به اعتقاد خود مارا با زهم با غلبان توده‌ها رو برو سازد، چنین تاکتیکی اگر پشت کردن به جنبش انقلابی نباشد، بلا فایده است. ضربات سنگین بر آن زدن است. زیرا مردم را راه میکند تا نیز پرپر و بال حکومت بروند و به ادعای

بقیه در صفحه ۹

بورژوازی

و با زرگان در پی طرح نقشه‌های گوناگون هستند، تا از این مجلس جلوگیری کنند. حتی آیت الله خمینی نیز قانع میشود که مجلس منحل گردد و از نتایج انتخابات شود و میگوید: اما دوباره همین ها انتخاب خواهند شد. تلاشهای بازرگان و سایر بورژوازیها در مخالفت با ولایت فقیه و اصولا قانون جمهوری تدریجا خرده بورژوازی حاکم را به خود میآورد. ترکیب "شورای انقلاب و دولت موقت" نیز نمیتواند راه را برای حل مسئله باز کند. این اختلافات در همه زمینه‌ها موجود است. میباید آیت الله خمینی میگوید: "دولت موقت انقلابی عمل نمیکند!" و بدین ترتیب منازعه شکل علنی بخود میگیرد. از این پس تا زمانی که سفارت آمریکا اشغال میشود، درجه بدر درگیری در درون بلوک حاکم بر همسازی غلبه میکند. کنترل اوضاع، با دوشویه، استقرار نظم با دوشویه و حتی سرکوب با دوشویه نمیتواند مدت چندانی دوام آورد. بویژه آنکه جاسوسان و سرما به داران بورژوازی لیبرال را مان خوبی برای خود میداند. شکست در کردستان، ناتوانی در پاسخگویی به مسائل شده، اعتراض وسیع بیکاران و کارگران بسبب وضع خود... همگی اعتماد مردم را نسبت به حکومت سست میکنند. پیش از جریان اشغال سفارت آمریکا، همانطور که گفتیم اختلافات بر سر رابطه با آمریکا، قانون اساسی، ولایت فقیه، آزادی احزاب و

اعاده حیثیت به سرما به داران فراری بالامیگیرد. خرده بورژوازی حاکم بنا به طبیعت طبقاتی خود تضادی که با سرما به بزرگ دارد، تدریجا درمی یابد که بورژوازی لیبرالها نه در موضع آنها دربرخوردن با سرما به بزرگ، که در موضع دفاع و نصابندگی سیاسی طبقه بورژوازی و بطریق اولی سرمایه انحصاری و امپریالیسم هستند. بورژوازی لیبرالها خواهان برقراری سلطه سرمایه انحصاری و حفظ سرمایه داری وابسته به همان شکل و ابعاد قدیم بودند و این برای خرده بورژوازی غیر قابل تحمل بود. رابطه بورژوازی لیبرالها با امپریالیسم آمریکا مشهود بود و یک کنفرانس در الجزایر و ملاقات بزدی و بازرگان با برژینسکی مشاوران منبیتی کار ترتیبها را برای تعرض خرده بورژوازی به بورژوازی و احیای قدرت هیات حاکمه در بین توده‌ها فراهم نمود. بی اعتباری وسیع دولت موقت در میان توده‌ها، و گسترش مبارزات توده مردم، و بویژه افشاکریهای وسیع نیروهای کمونیست و تجربیات روزمره دولست موقت را به عنوان دولت جمهوری اسلامی مورد سؤال مردم قرار میدهد. ضعف بورژوازی لیبرال و قدرت وسیع توده‌های خرده بورژوازی، در طی این مدت هرگز به او اقتدار اجازه قدرت یابی نداد که بتواند در مقابل جریان سفارت مقاومت کند. آنها با آن خواسته بودند و سیل آمد، اما این

سیل هنوز سیل حقیقی از جانب توده‌ها نبود تا بیکبار آنها را نبود سازد. اشغال سفارت آمریکا که با تمهیدات خرده بورژوازی حاکم بوجود آمد، نقطه عطفی در تضادهای درون حکومت در طی این دوره محسوب میگردد. اگر بخوایم بطور خلاصه اساسی ترین خصوصیات این دوره را از لحاظ بلوک سیاسی حاکم شرح دهیم باید بگوییم که در آغاز همسازی خرده بورژوازی و بورژوازی حاکم بر منازعه آنان غلبه دارد. آنها در مقابل توده‌ها و بخاطر قدرتی که بدست آورده اند دست بیکدیگر می گیرند و هر چه به جلو میرویم، هر چه توده‌ها بیشتر بر علیه نظم موجود مبارزه میکنند و هر چه ناتوانی بورژوازی حاکم در اداره جامعه و تمایل آشکار آن به تقویت موقع امپریالیسم آشکار تر میگردد، اختلافات بیشتر میشود. خرده بورژوازی حاکم که خود را با دولت موقت منتخب خویش در تضاد می بیند راهی ندارد جز آنکه آنرا بکنار بزنند و با اتکا به قدرت خویش میثاقند آنرا بکنار بزنند. و شورای انقلاب را به "دولت" تبدیل کند. "دو فرمانده خوب" به نفع یک فرمانده بد" کنار نرفتند، بلکه هر دو با برتری با زهم بیشتر یکی بردیگری باقی ماندند.

بطور کلی بورژوازی در ایران در طی جنبش انقلابی ۷ - ۵۶ ضریبات شدیدی متحمل شد و در ۱۳ آبان ماه دومین ضربه را وارثان آن، نمایندگان کل بورژوازی که بخش‌های بوروکرات و خصوصی وابسته آن گریخته بودند، یعنی بورژوازی لیبرال متحمل گردید.

"ااا ما دارد"

که اکنون بتصویب رسیده است اصل بر آنست که تضادها میان نئودیه ، دهقانان و مالکین بزرگ را برترشیب و با ارجحیت زیرتخفیف دهد .
بر اساس ماده ۲۵ آئین نامه اجرایی قانون جدید اکتویت ارضی قابل واگذاری عبارتند از :

۱- اراضی صادر شده بر اساس ماده ۳ همین آئین نامه مابین اراضی به دو گروه تقسیم میشوند :

"الف - اراضی که بصورت واحدهای بزرگ کشت و صنعت و مکار نیزه و باغات میباشند و تقسیم آنها بمصلحت جامعه نیست ، در مورد این اراضی هیات ۷ نفری موظف است با مشورت متخصصین و بنیاد مستضعفین تصمیمات مقتضی درباره آنها اتخاذ نماید."

تجربه یکسال ونیم عملکرد جمهوری اسلامی نشان میدهد که این گروه از اراضی ، با همان شیوه ها و مناسبات و حتی مسئولین گذشته ، توسط ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی بویژه بنیاد مستضعفین اداره شده و میشوند و نتایج تغییرات سطحی در روابط و نگاه عواید کارگران ، اجل ره کار آن ، مقاطعسگران ، مپاشرین و ... بوجود می آید .

"ب - سایر اراضی صادر شده که قابل واگذاری است ، توسط هیئت های هفت نفره با رعایت شرایط و ضوابط در اختیار رواج دین شرایط قرار داده خواهد شد."

۲- اراضی بایر - این اراضی بر طبق تعریف ماده ۱ عبارت از "زمینهایی است که سابقا احیاء دارد ولی بعلت اعراض یا عدم بهره برداری بدون عذرموجه مدت ۵ سال متوالی متروک مانده یا بمانند". بر طبق تبصره ماده ۳ :

"چنانچه اینگونه اراضی کمتر از پنجاه و بیست و نه سال تعطیل مانده باشد تا دوباره بر عرف محل زمین در اختیار صاحب آن قرار میگیرند و مابقی با رعایت اولویتهای ذکر شده در مواد بعدی ، به واجدین شرایط واگذار میشود ."

به این صورت آن بخشی از زمینهای بایر که برای واگذاری باقی میماند و با توجه به اعمال نفوذ مالکین در استثناء نمودن زمینها مرغوب و سهل الاحیاء ، زمینهایی خواهد بود که به صرف مخارج و تیسری زیادی برای احیاء مجدد دنیا زمند است . زمینهایی که بیش از ۵ سال و حتی ۱۰ سال متروک بمانند یا مانده فاقد آب ، چاه قابل استفاده و تسطیح لازمست و برای دهقانان فقیر و متوسط غالباً غیر قابل بهره برداری با صرفه است .

۳ - اراضی موات - زمینهایی است که سابقا احیاء و بهره برداری ندارد و بصورت طبیعی باقی مانده است . (ماده ۱ آئین نامه) این اراضی اصولاً فاقد امکانات بهره برداری است . خاک نامرغوب ، فقدان آب ، عاری از جاده و آبیاری و مشکلات سخت ارضی دیگر استفاده از آنها راحت برای زمینخواران و سرمایه داران بدون صرفه نموده است چه برسد به بیاعتنا دهقان فقیر و متوسط !

۴ - اراضی دایر - در ماده ۵ آئین نامه این اراضی تحت عنوان "اراضی دایر بزرگ" به دو گروه تقسیم شده اند :

"الف - تصرف اراضی از راه مشروع و صحیح " که در این مورد اگر "متصرف" شخص یا کشاورزی بر روی آنها مشغول باشد تا سه برابر عرف محل زمین در اختیار خواهد ماند . و غیر اینصورت تا دوبرابر این عرف در صورتیکه اراضی دایر بزرگ "مکانیزه باشد و اگردارنده وارگانهای حکومت جای مالک را خواهند گرفت .

"ب - تصرف اراضی از راه غیر مشروع " که با "پول حرام" (۱) و غصب و جعل و امثالهم بدست آمده باشد که هیئت های محل به آنها رسیدگی خواهند کرد .

به اینصورت بخشهای مهمی از اراضی مالکین بزرگ یا در مالکیت آنها خواهد ماند و طبیعتاً بهترین اراضی را شامل میشود ، و با در مالکیت دولت درآمد مهم چنان گذشته اداره میشود . (اراضی مکانیزه)
اطلاعات ارضی جمهوری اسلامی بهای اراضی با برود امیری کسه از مالکین بزرگ بعد از استثنایها و رعایت احوال آنها میگیرد میبازد . بنا به ماده ۲۸ آئین نامه تحت عنوان "بهای نسق" (۱) چگونه است پرداخت به این صورت است :

"الف - تمام قیمت زمین تا میزان پنج برابر عرف محل
ب - از ۵ تا ۵۰ برابر ، یک چهارم نسبت به مازاد ۵ برابر

از هنگامیکه لایحه " نحوه واگذاری و احیاء اراضی موات در حکومت جمهوری اسلامی " در ۲۵ شهریور ۵۸ بتصویب و سپس در مقابل رشد جنبشها دهقانی و کلا مبارزات توده ای در سراسر ایران شکست خورده و بعداً با سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال در پایان ماه ۵۸ عملی شده بود ، ۷ ماه میگذشت . هفت ماهی که همچنانکه در قسمت های قبلی نشان دادیم سراسر شاهد شد و توسعه جنبشهای دهقانی در روستاها بود . هفت ماهی که در کردستان جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد پیروز شده و جمهوری اسلامی را به انفعال و گذران وقت برای تجدید قوا و داشته بود . هفت ماهی که در پانزده استان ۵۸ ، در ماههای وسط جنبشهای دهقانی گذشت و با جنگ دوم درگنبد به اوج جدیدی رسیده بود . از نظر جمهوری اسلامی این هفت ماه فشار غیر قابل تحمیلی " ازپائین بود که در "بالا" تنها بعنوان ضرورت تجدید نظر متجلی میگشت .

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی (۵)

لایحه جدید (مصوب ۵۹/۱/۲۶) تحت عنوان "لایحه قانونی اصلاح نحوه واگذاری و احیاء اراضی از مجرای پیچ دریغ مطالعه ها ، بررسی ها ، فتواها ، و مملحتها گذشت . تفاوت اصلی در لایحه قدیم و جدید اولویت واگذاری اراضی و برخورد به مالکیت مالکین بزرگ بود . لایحه قدیم اولویت را بر اراضی موات میگذاشت . و لایحه جدید بر اراضی صادر شده لایحه قدیم کلاً نتایج اصلاحات ارضی شاه و مالکیت های قانونی موجود را برسمت و غیر قابل تعرض میبناخت و لایحه جدید آن را در صورت لازم قابل نقیض ! البته دوبرخورد متناوب به اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی اما در محتوا یکسان ، در قیاس با عمق و توسعه جنبشهای دهقانان فقیر و متوسط الحال در روستاها ، دوبرخوردی که ناشی از ابتکار عمل دوگرایش مختلف طبقاتی در جمهوری اسلامی است .

اگر لایحه قدیم به ابتکار بورژوازی لیبرال بدست امثال ایزدی ها تدوین گشت و در حین کنفرانس مالکین بزرگ و متوسط در مهر ماه ۵۸ سندت بافت ، لایحه جدید به ابتکار خرده بورژوازی بدست امثال "اصفهان" ها تهیه شده و در حین مطالعه متخصصین و فقها و حکام شرع به قانونیت رسیده بود .

طرح جدید :

طرح جدیدی که پس از اصلاحات فراوان و منطبق نمودن آن با "شعار اسلام" به تصویب شورای انقلاب و تأیید آیت الله منتظری و مشکینی رسیده است طرحی است که در درجه اول منافع خرده مالکین را در نظر دارد . در صورتی که متذکر شدیم که قشر قدرتمند خرده مالکان که در واقع همان خرده بورژوازی مرفه روستاهاست در مورد مسئله ارضی و دهقانی دو خواسته اساسی دارد . اینک اولاً : بنظم موجود در روستاها که اکنون از طرف جنبشهای دهقانی بخطر افتاده است با اصلاحات محدودی حفظ و تحکیم شود ، و ثانیاً اینگونه دولت حمایت بیشتری را از خرده مالکان بنمایند و سیاست خورانبفع این قشر تنظیم نماید .

مخبر خرده بورژوازی مرفه در حکومت فرصت گرانیهایی برای خرده مالکان بوجود آورده تا سیاست مورد نظر خویش را تا میزان نماید . در طرحی

وان هستند. مثلا تا مین آب برای این اراضی که از مسکلات اصلی احیا آنهاست بر طبق محاسبات برنا مه عمرانی بنجم (بدون احتساب هزینه های تحقیق و نظارت) بطور متوسط هکتاری ۳۱۹۰۰۰ ریال تخمین زده میشوند که در حال حاضر بر ماب بیشتر از این رقم را تشکیل میدهد. ملاحظه میشود که واگذاری زمین که عمدتا از ناخیزه اراضی بایسترو موات تا مین میشود تنها هنگامی میتواند به بهبود وضعیت دهقانان و در نتیجه تولیدات کشاورزی بیا نجا مدکد با یک برنا مدیری متمرکز و حساب شده بفع دهقانان و برای ازدیاد سطح تولید همراه باشد. و چنین اقدامی از ماهیت "جمهوری اسلامی" کاملا خارج است. البته دولت وعده میدهد که این زمینها را با برنا مهریزی و بودجه بندی راسا آبا دکنند. اما این ادعا بمعنای آنست که دولت دست از ماهیت بورژوازی ای خود که سبب سود در سرمایه گذاریهاست دست بردارد. ادعایی که بنا به مصالح سیاسی بارها و بارها توسط حکومت های بورژوازیسی تکرار شده و در عمل حرا قدمات جزئی و موقتی و سپس مغرور می نمودن ابیدی دهقانان نبوده است.

برای دریافتن ماهیت وعده های دولت کافی است که به تجربه یکی از خود دولت مردان اشاره کنیم، آنهم کسیکه معاون وزارت خانه ای است که قرار است وعده های داده شده بدروستان را عمل کند (۱) رضا اصفهانی میگوید:

"... من در اوایل کارم در وزارت کشاورزی بیش از حد بدولت خوشبین بودم و فکر میکردم که وعده هایی که در بعضی جلسات به ما میدهند عمل میشود. درحالیکه ایسین چنین نبود. مثلا وزارت نیرو آن همکاری لازم را برای اینکه آب در اختیار کشاورزان قرار بدهیم نکرد، بانکها همکاری که برای دادن وام بایند ما داشته باشند، نداشتند و این درحالی بوده مبلغ های گزاف به سرمایه داران بوام میدهند و حال آنکه وامهای ۶ تا ده هزار تومانی کشاورزان بدیخت و بی نوابا ۷۲ مشکل رو برو میشد." "دیگر اینکه من بعدا دگاه انقلاب بسیار خوشبین بودم و تصور میکردم که دادگاه انقلاب به حق مردم توجه دارد درحالی که سبب برای از این دادگاههای انقلاب نفع فئودالها حکم صادر کرده و زمینهای راکه ما (وزارت کشاورزی) به کشاورزان داده بودیم به فئودالها بازگرداندند."

(انقلاب اسلامی - ۲۴ خرداد ۵۹)

با چنین ماهیتی از محتوای وعده ها و "مساعده ها" و "مدور احکام" است که دولت ادعای آبا دکردن زمینهای با بیرو موات را دارد (۱)

ج - از ۵۰ تا صد برابر یکدهم، نسبت به ما زاده ۵۰ برابر. بایک حساب ساده میتوان نشان داد که مالکین بزرگ بنا بر قانون جدید، در مورد اراضی با برنا دو برابر و در مورد اراضی با برنا سه برابر بر عرف محل میتوانند نگاهداری کرده و مابقی زمینهای خود را تا حد ۲۱ برابر عرف محل، بقیمت کامل بفروش برسانند. مثلا اگر عرف محل در یک منطقه ۱۰ هکتار تعیین شود، مالک بزرگی که بقضات و چمبری ری اسلامی مالکیتش "مشروع و صحیح" است و صاحب ۱۰۳۰ هکتار زمین در دایر باشد، میتواند تا سه برابر عرف محل یعنی ۳۰ هکتار را برای خود نگاهدارد. قیمت کامل ۵۰ هکتار، یک چهارم قیمت ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار (یعنی ۴۵۰ هکتار) و یک دهم قیمت ۵۰ تا ۱۰۰۰ هکتار را دریافت کند. بسیاری دیگر میتوانند ۳۰ هکتار زمین مرغوب دایر نگاه داشته و ۱۰۰۰ هکتار دیگر را بقیمت کامل ۲۱۲/۵ هکتار از بیت المال به حیب خود ااریز نمایند. اینست نمونه ای از سیاست خرد کردن زمین، پرداخت غرامت به مالکان بزرگ برای رعایت قدسیت مالکیت در جمهوری اسلامی در مقابل سیاست مصادره و بیرون راندن مالک توسط دهقانان. در جمهوری اسلامی اراضی وقفی بر طبق ماده ۲۹ آئین نامه اجرایی که ماکان با سرپرستی سازمان اوقاف و "طبق موازین شرعی" به متقاضیان داده میشود و اجاره آن بوسیله دریافت کنندگان زمین سازمان مزیور پرداخت میگردد.

بررسی ولویت و واگذاری زمین نشان میدهد که بطور خلاصه زمینها بی که طبق قانون برای واگذاری به توده دهقانان باقی می ماند عبارتند از:

- ۱- آن بخشی از اراضی مصادره شده که مکانیزه نیستند، چوبیغات و کشت و صنعت ها نیستند.
- ۲- آن بخشی از اراضی با برکه بیش از ۵ سال و بخشی از اراضی با برکه بین ۲ تا ۵ سال متروک مانده اند.
- ۳- اراضی موات.
- ۴- بخشی از اراضی دایر که "ما زاد بر احتیاج" مالکان بزرگ و چوبیغات و کشت و صنعتها و کلا تنها مکانیزه نباشند.

برای دریافتن آن دسته از زمینهایی که تحت عنوان مکانیزه میتوانند از واگذاری به دهقانان مستثنا شوند، میتوان به آمار استفاده از تراکتور و کود شیمیایی رجوع کرد. اگرچه این دو وسیله تولید برای نشان دادن مکانیزاسیون در کشاورزی کافی نیستند اما در وضعیت کشاورزی در جامعه ما مهمترین معیارها قضاوت در مورد اراضی مکانیزه بشمار میروند.

تعداد دیبره برداریهای که از تراکتور استفاده کرده اند		مساحت شخم شده		مصرف کود شیمیایی	
طبقات بهره برداری هکتار	تعداد دیبره برداریها	درصد به مساحت کل زمین ستون (۱)	درصد به مساحت کل	تعداد دیبره برداریها	درصد به کل
۵۰ تا ۱۰۰	۳۱۵/۰۶۶	۷۳/۶	۴۲۰۴۵۰۵	۱۰۲/۱۹۴	۲۳/۹
۱۰۰ تا ۱۵۰	۱۴۸۹۸	۹۱/۵	۷۸۳۳۷۵	۶۹۷۸	۲۲/۸
۱۰۰ و بیشتر	۹۱۹۲	۹۶/۲	۲۰۳۳۹۲۴	۵۳۷۳	۵۶/۲

جدول فوق نشان میدهد که اغلب اراضی مالکان بزرگ (۵۰ هکتار به بالا) مکانیزه هستند و چنانچه شامل اصلاحات ارضی شوند از واگذاری به دهقانان مستثنی بوده و توسط ارگانهای جمهوری اسلامی (بنیاد مستضعفین و وزارت کشاورزی و ...) اداره خواهند شد. بسیاری دیگر در صورت اجرای قانون زمین این مالکان ۲ یا ۳ برابر عرف محل، در دست آنها باقی مانده (تجزیه زمین) و بقیه عمدتا به مالکیت دولت درآمده و از دسترسی دهقانان فقیر و کلا کم زمین دور می ماند.

با این حساب واگذاری زمین اما با از ناخیزه اراضی با بیرو موات صورت نمیگیرد. بخشی از اراضی با برنیز هم چنان در دست مالکان بزرگ باقی مانده (تجزیه زمین) و مابقی بعلوه اراضی موات منع اصلی زمینهای قابل واگذاری به دهقانان را تشکیل میدهند. این زمینها محتاج صرف هزینه و سرمایه گذاریهای اولیه گزاف و صرف نیروی فرا

در واقع سیاست واگذاری اراضی با بیرو موات به دهقانان و مقرض و متمسک شدن دهقانان توسط وام و اشکال دیگر بدهی (در مقابل بذر و کود و ...) سیاست سوق دادن دهقانان به ورشکستگی کامل است. موج نا رضایتی و طغیان دهقانان که از باز پرداخت دیون خود نا توان خواهند گشت اریکس جوششهای دهقانی را با محتوای بس عنی تر و اشکالی عالی تر برخواهد انگیخت و از سوی دکر دستکاه بوروکراتیک حکومت را به استیمال کامل خواهد گتاند. اینست نتیجه سیاسی اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی که بر مبنای رعایت حال و جبران خسارت مالکان بزرگ و حاکمیت دولت بجای آنها در زمینهای بزرگ تنظیم شده است.

"ادامدارد"

صفحه از صفحه ۱۰

اطلاعیه

رفیق تقی شهرام را دستگیر کنند

ارتجاع حاکم پس از ما هدبا شکنجه و آزار جسمی و روحی که روی در زخمیان شاه راسید می کرد ، نتوانست ذره ای در ارادۀ انقلاب بی و خلل ناید بر رفیق شهرام حلی ایجاد کند ، و با وجود آنکه بارها و بارها در مواقع مختلف بینه دنبال اعمال فشار ، بایده آزادی بسزای وی میفرستند ، اما کوششین برودنی در عزم راسخ و اراده پولادین وی بوجو دنیامد ، و همچون کوهی استوار در برابر ارتجاع معاومت نمود و سرانجام با دفاع فیرمانانه خویش در بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی در آخرین دقایق حیات خویش به افشای ماهیت صد انقلابی هیات حاکمه همت گماشت ، و برگ زرین دیگری بر کتاب مدافعان انقلاب بی قهرمانان شهید ایران اضافه کرده و لکه ننگی ا بدی بر دامن خرد و بورژوازی حاکم فروگفت ، لکه ننگی که با آب زمزم و کوشش تمام او را دود عا های آسمانی هرگز از لوح وجود این حکومت پاک نخواهد شد ، جرد و بورژوازی حاکم که از خوف پیشروی امواج انقلاب هرآن بیشتر و بیشتر وحشتزد ، می گردید ، از بیم آنکه میا د این انقلابی بزرگ بدست توده ها از زندان آزاد شود و عطش انتقام آن ناکام بماند با شتاب و وحشت دست به محاکمه و فیحانه ویی شرمانه رفیق شهرام زد ، محاکمه بی که نظیر شراحتی در طول رژیم سفاک و خائن پهلوی ندیده بودیم ، محاکمه ای که در آن نه از متهم " خیری بود ، و نه حتی از وکیل " متهم " این سفاک گان رژیم حاکم حتی اجازه ورود وکیل رفیق شهرام را به دادگاه ندادند ، آنها حتی نگذاشتند که وکیل رفیق شهرام کوچکترین ملاقاتی با وی داشته باشد ، و از همه مهتر اینک که تحمل شنیدن آخرین دفاع این " متهم " ! انقلابی را نداشتند ، چونکه هر لکه از سخنان وی تیزی بود که بر قلب رژیم جمهوری اسلامی فرومی نشست ، اینان حتی از همان اولین جلسه دادگاه رفیق شهرام زخم خورد و غیظ آلود هستند ، شهرام این انقلابی بزرگ ، این کمونیست قهرمان در آخرین دقایق عمر خویش نیز در فکر جنبش کمونیستی و انجام وظایف خود بود ، او که از حکم اعدام خویش اطلاع یافته بود ، با قلبی مالا مال از عشق به آرمان طبقه کارگر که کمونیستها توصیه وحدت و هشیاری می نمود ، و آنها را دعوت به وحدت برای تحکیم صفوف جنبش کمونیستی و مقابله با توطئه های قریب ال وقوع حکومت می کرد ، و پس از آن در لحظاتی بعد به بسه تاریخ پیوست ، و برگی زرین و پرشکوه بر تاریخ جنبش کمونیستی ایران افزود .

او با سکوت انقلابی و مقاومت قهرمانانه خویش در برابر فشار حاکم مرتجع مشت محکمی بر دهان هیات حاکمه کوفت و نقشه هاییشان را در ایجاد محاکمه بی نمایشی بر علیه نیروهای انقلابی نقش بر آب ساخت ، و از محاکمه خود ، وسیله ای در جهت هر چه بیشتر آگاه نمودن توده های مردم ایجاد نمود .

اما در مقابل سکوت انقلابی او ، با با سکوت سازشکارانه و جیونانه دیگران روبرو بودیم ، سکوتی که از ترس و وحشت برمی خاست و آمیخته بود ، با احساس بگریه های مآشات کرایانه و محافظه کارانه در مقابل رژیم حاکم .

این کسان که رهبران سازمان مجاهدین خلق از آن جمله اند ، بجای آنکه به امواج توفنده انقلاب و گامهای روبه پیش توده ها بایند بپشت و بپشت و بپشت و بپشت ، آنها محاکمه ضد انقلابی رفیق شهرام را محکوم نمایند ، مفلوکانه موضعی سکوت آمیز ، اما سکوتی محافظه کارانه و فرصت طلبانه پیش گرفتند ، آنها از ارائه اطلاعات موجود در نزد خویش که بخوبی می توانست ادعا های پوچ رژیم حاکم را حنی کند ، خود داری نمودند ، رهبران سازمان مجاهدین خلق از راه شواهد و مدارکی که درباره فاطمه نرتوک ، جواد سعیدی و شهادت رضاشایی و غیره در اختیار داشتند ، شواهد و مدارکی که بخوبی پوچی وی پایگی افترا ها و بیستانیهای خائنه رژیم را در مورد رفیق شهرام افشاء می کردند ، مضایقه کردند .

دفاع قهرمانانه و ایستادگی صخره وار رفیق شهرام در برابر حکومت جمهوری اسلامی و بیدادگاه ضد انقلابی آن ، عظمت روح انقلابی این کمونیست بزرگ را بر ما ثابت می کند ، و در عین حال مشت محکمی است بر دهان کف آلود ضد انقلاب و نیز نقطه اختلافی با فرصت طلبان و سازشکاران .

اوشان داد که کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند ، آنها فقط بقدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند .

افتخار و سرفرازی همیشه از آن انقلابیونی است که در برابر صد انقلاب تن به سازش نمی دهند !

- درود به روح بر عظمت رفیق شهرام !
- درود به روان همه شهیدای خلق !
- مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع !

۵۹/۵/۲

سرمقاله

صفحه از صفحه ۶

آن رنگ حقیقت بخشند ، اینست تجلی دمکراسیم نابیکیر و منزلت لزل خرد و بورژوازی امی بینیم کسبه هیچ تشوری سازشکارانه و اپورتوس نیستی در اوضاع کنونی نمیتواند حرکات ضد انقلابی حکومت و با جناحی ارترا تطهیر کند ، این خط سیر ساست و دانی حرکت حکومت و همه جناحها یش میا شده که جنبش انقلابی را سرکوب کند .

* * *

این امر ما را امیدار که در صدر هر برنا مه خود سازماندهی و ارتقاء مبارزه طبقا تیرا قرار دهیم ، مبارزه انقلابی کنونی در متنی از بحران اقتصادی - سیاسی به پیش می رود که هر روز پیچیده تر میگردد ، ما باید اثر از کوره راه های تیرتیب و فراز بگذرانیم ، شرکت فیسال در جنبش کارگری و مبارزات دمکراتیک و تلاش برای سازماندهی آنها و طبقه ای است که هر آینه ما به هر بهانه ای آنرا به شعوبق بیاندا زیم ، به اهداف تاریخی خود لطمه زده ایم ، بسیج توده ها و سازماندهی آنها به ما اجازه خواهد داد که با اتکا به قدرت آنها ، و با اتکا به حرکت انقلابی آنها تاریخ را از گام ها نه بسازیم ، اما همانطور که در شماره های قبل رزمندگان نیز گفتیم ، شرایط موجود ، آن شرایطی نیست که بتوان با نیروی محدود و در چهار چوب انرژی و توان تشکل های پراکنده جنبش م. ل. بر جنبش توده ای تا شیر گذاشته آراسمت و سوبخشید .

تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی تیشتر از هر زمان ، ضرورت دارد و وحدت یگانه راه تا شیر جدی و فعال و قاطع بر جنبش انقلاب است ، بدون قطب انقلابی کمونیستی که بتواند جو بارهای پراکنده را در بستن واحدی هدایت کند ، مبارزه انقلابی ناسامان باقی خواهد ماند ، هر کس در این راه گام بر ندارد و چهار دیوار سکتاریسم و کروهکاری را نشکند ، و با یک مبارزه بدشولوزیک جدی و فشرده به این مجرایای نگذارد ، به جز تششت و پراکندگی و لاجرم ضربه زدن به جنبش انقلابی در جنبش اوضاع متحولی ، کاری نکرده است ، اما بلاهت خواهد بود هر گاه ما مبارزه خویش را موکول به وحدت کل جنبش کمونیستی بنمائیم ، و حتی

اطلاعیه

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر در مورد:

اعدام ضد انقلابی رفیق محمد تقی شهرام

وسکوت ساز شکارانه سازمان مجاهدین خلق در برابر سکوت انقلابی رفیق شهرام!

سرگامه امروز، یکی از تک فروغ های افتخار آفرین جنبش کمونیستی بدست جوخه تیرباران هیئت حاکمه شهید شد. خون سرخ او بر سنگفرش حیاط زندان وین فروریخت و با خون دها و صد هاتن از فرزندان دلیر خلق کبیرماکه بدست دژخیمان رژیم پ. لوی شهید گشته بودند، درهم آمیخت.

آمیزش خون این تازه شهید خلق ایران با خون شهیدای دوران رژیم پهلوی آنهم در سنگفرش زندان اوین حکایت از اعدام راه انقلابی آن شهید، در دوره پس از قیام ویدنیال سرنگونی رژیم خائن پهلوی می کند.

حکومت ضد انقلابی موجود که بریستر خونهای هزاران هزار قهرمان راه آزادی خلق ایران از یوغ ستم و استثمار سرمایه داری و بسته ویدنیال سازش کثیف خود با امپریالیسم و بورژوازی بقدرت رسید، بود، از همان روزهای نخست پس از قیام لوله تنگ رابروی نیروهای انقلابی و کمونیست نشانه گرفت، و روزی نبود که خون تنی چند از فرزندان انقلابی ایران را بر زمین نریزد. روزی در کردستان، روزی در خوزستان، روزی در گنبد و انزلی و اخیراً در روز دهمه جادست به کشتار بیرحمانه نیروهای انقلابی می زند. و امروزیدنیال یک محاکمه غیبی قرون وسطایی، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، جنگال خونین خود را در حلقوم انقلابی بزرگ و کمونیست - قهرمان تقی شهرام فرو کردند. رفیق شهرام، از جبهه های قدیمی مبارز انقلابی بر علیه رژیم شاه بود، و آزمون انقلابیگری و وفاداری خویش به خلق را در شکنجه گاه، و زندان و در جنگ و گریز با رژیم شاه بخوبی نشان داده بود. این فرزند دلیر خلق که نقش بزرگی در هدایت و سازماندهی انقلاب بیون در مبارزه قهرآزمینویگیری بر علیه رژیم شاه داشت، در جریان تغییر و تحولات ایدئولوژیک دورنی سازمان خود از جمله کسانی بود که پیشا پیش همه پرچم مارکسیسم - لنینیسم این رهنمای مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم را برافراشت، و دست به ترویج آن زد.

اماد در مسیر این مبارزه بر علیه خرده بورژوازی و ایدئولوژی آن مرتکب اشتباهاتی شد، اما آن اشتباهات به - پست ترین شکلی مورد سوءاستفاده خرده بورژوازی مرتجع قرار گرفت.

خرده بورژوازی مرتجع که از ضربات مهلک هجوم مارکسیسم - لنینیسم برخوردار بود، و هر آن دری - انتقام خونین از عوامل این شکست بود، همچون مارزخمی دریدریدنیال شهرام بعنوان عامل اصلی تئیسیر ایدئولوژی سازمان مجاهدین می گشت تا انتقام ارتجاع را از حرکت مترقی تاریخ بگیرد. و سرانجام توانست

بقیه در صفحه ۹

سرمقاله

در وضعیتی که ممکن است هر دقیقه پیچیده تر گردد و انواع توطئه های امپریالیسم و بورژوازی صورت پذیرد، به جای فکر کردن به راه خطای مقطعی جهت شرکت فعال در جنبش، توجه خود را معطوف به هدف نهایی کنیم. بدین جهت است که ما ضمن تاکید بر اولویت وحدت جنبش کمونیستی و دعوت همه نیروهای کمونیست به مبارزه ایدئولوژیک در مسیر این وحدت بر روی اتحاد عمل مشخص کمونیستهای پای می مشریم. تنها با چنین اتحاد عملی است که ما میتوانیم در اوضاع بیفرنج تر، اولاً بطور موثری به فعالیت خود ادامه دهیم و ثانیاً نیروهای دمکرات انقلابی را واداریم که با ما در چنین شرایطی دست اتحاد را بفشردند. اتحاد نیروهای کمونیست و انقلابی دمکرات نمیتواند بطور جداگانه و از طرف ما زمانهای پراکنده و از موضعی ضعیف صورت پذیرد. اگرچه چنین اتحادی با وحدت جنبش کمونیستی مطمئن تروجدی نخواهد بود، لیکن هیچکس تاکنون نتوانسته است تضمین کند که همه تلاشهای ما در راه وحدت اصولی، هر چه زودتر به نتیجه برسد. به همین علت ما می گوئیم اتحاد عمل جنبش کمونیستی در اوضاع پیچیده تر نمیتواند مبنای نیرومندتری (واحدی) برای اتحاد جنبش انقلابی باشد.

بنابراین ما ضمن تاکید بر فعالیت هشیارانه همه جانبه کمونیستهای در سازماندهی مبارزه ودها، تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی و در شرایط مشخص اتحاد عمل آنها برای اتحاد عمل جدی در جنبش انقلابی را ضروری میدانیم!

نیروهای دمکرات انقلابی را تنها یک قطب کمونیستی نیرومند که محمول وحدت جنبش کمونیستی با در صورت اضطرار اتحاد عمل باشد میتواند تا حدودی از تزلزلات و ناپایداری نجات بخشد. در غیر این صورت سرنوشت مبارزات توده ها و همه جنبش ما همچنان در راه های اربابها خواهد ماند.

**قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها
فقط بوسیله کارگران و زحمتکشانشان امکان پذیر است!**

پیکر زمینندگان

«کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.»
ولادیمیر ایلیچ لنین

بحث بعد از مرگ شاه!

روزهای گلوله و آتش و خون در آخرین ماه‌های حکومت شاه را انقلابیون هرگز فراموش نمی‌کنند. لحظات فروپاشی پاهای حکومت یکی از بزرگترین بین جلادان تاریخ، و صحنه‌های پیرشکوه جانبازی زحمتکشانی که در سنگری به وسعت ایران سینه‌های خود را تا باج گلوله‌های سرب‌پوش کرده بودند، خاطره‌ای نیست که کسی بتواند آنرا از یاد ببرد. اما اینک که چند روز است خبر مرگ آن جنایتکار خون‌آشام، قلب‌های پرکینه خلق ستم‌دیده ما را التیام می‌بخشد، و در روزهایی که هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به آزادی و دستاوردهای قیام روز به روز بیشتر افزایش می‌یابد، در میان انبوه وقایع ماه‌های آخر حکومت شاه خائن هدف و معنی شعار معروف "بحث بعد از مرگ شاه" بیش از پیش روشن می‌شود. بقیه در صفحه ۲۴

حقایق، جلادان رفیق شهید تقی شهرام را رسوا و اتر می‌کند!

در صفحه ۷۴

گرامی باد ۱۴ مرداد سالروز انقلاب مشروطیت!

اوج و شدت گرفت و سرانجام به سرنگونی استبداد سلطنتی و ایجاد مشروطه سلطنتی که در زمان خودش مترقی بود منجر شد.

نیروی عمده مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع در آن زمان دهقانان بودند و کارگر آن در صدکمی از جمعیت را تشکیل می‌دادند. روابط حاکم بر جامعه فئودالی بود و نیروهای انقلاب در آن زمان کارگران، دهقانان، صنعتگران و خرده بورژوازی شهری و سرمایه داران ملی بودند. سرمایه داران ایران عمدتاً بازرگانان بودند که از طریق

بقیه در صفحه ۱۴۴

به دنبال مبارزات دلاورانه خلق قهرمان ایران روز ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت صادر شد و طی آن خلق ماکه قربانان زیر یوغ ستم و استعمار شاهان دیکتاتور مطلق العنان به سر می‌برد، دارای مجلس شدند. مجلسی که می‌بایست نمایندگان خود را در آن بفرستد و از طریق آنان بر قوانین و اعمال دولت نظارت کند. این مبارزات در پی سالها ستم و فشاری که فئودالها و حکومت قاجار بر خلق‌های ایران وارد می‌آورد، قحطی، گرسنگی و فقر ناشی از آن، دهها سال نفوذ استعمارگران اروپایی، تحت تاثیر انقلابات و مبارزات خلق‌های سایر کشورها

قانون اختیارات شوراها' تهاجم

جدید حکومت برای

سرکوب شوراهای واقعی

در صفحه ۳۴

هدف قانون شوراها که به صورتی رسیده، جنبه‌ای شوراهای پیکر ارگان مبارزه کارگران بر علیه کارفرمایان و دولت است. اما می‌آید، به پیکر ارگان مبارزه کارگران به تنهایی کارفرمایان است.

شاه دوباره مُرد!



دیکتاتور مرد! این مرگ گیسست که برای میلیون‌ها توده کارگر و زحمتکش و دهها هزار خانواده شهید داده و هزاران زندانی سیاسی شکنجه شده در زندانهای مخوف رژیم سابق خوشحال کننده است. کسانی می‌میرند و دنیا بی‌را نماند و فرامی‌گیرد و کسی می‌میرد و مردم به رقص و پایکوبی مشغول می‌شوند!
بقیه در صفحه ۱۲۴

آیا مجاهدین خلق از مبارزه طبقاتی درس می‌گیرند؟!

در صفحه ۱۶۴

در صفحات دیگر می‌خوانید:

- بالغو قانون سود ویژه: رژیم بار بحران
- اقتصادی را بردوش کارگران می‌اندازد!
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه
- و ...

پنجمه از صفحه ۱۰

بحث بعد از...

آرزوها، در شرایطی که رگبار مسلسل‌های آمریکا بی میان خلق ما و رژیم شاه خائن حکومت میکرد، در هر کجایه و خیابانی، کمونیست‌ها میکوشیدند تا نظراتشان را با مردم به "بحث" بگذارند. آنها در حالیکه رهبران انقلاب با سازشکار خود شعار "ارتش برای در ماست" را میدادند، با مردم در این باره "بحث" میکردند که ارتشی که تاندان مسلح است و دستانش تا مرفق به خون جوانان ما آلوده است چگونه میتواند برادر ما باشد؟ آنها گفتند: این باره "بحث" میکردند که این ارتش را گان سرکوب حکومت سرمایه‌داران است و تمام فرماندهان آن با دقت انتخاب شده و بسلیله آمریکا بی‌ها تعلیم دیده‌اند، این ارتش نمیتواند برادر ما باشد. کمونیست‌ها همچنین درباره اینکه پس از سرنگونی شاه، منافعی زحمتکشان چگونه تامین میشود "بحث" راه می‌انداختند.

پس از فراز شاه جلاد، باز هم کمونیست‌ها شعار میدادند، "بحث" راه می‌انداختند و اعتقاد داشتند که "بعد از شاه نو است آمریکا است... اما در تمام این موارد، همه نمیتوانند بیاد بیاورند که عده‌ای از ساواکی‌های حرفه‌ای، همراه عده‌ای از حزب‌اللهی‌ها، مأمور، در حالیکه تمام روز در میان‌ها پرسه می‌زدند، هر جا که میان کمونیست‌ها و مردم این "بحث" ها بالا میگرفت، با داد و فریاد و گاهی هم با اعمال خشونت، خود را وسط می‌انداختند و عریضه میکشیدند و با شعار "بحث بعد از مرگ شاه" جمع‌رایی پاشاندند.


البته وجود این باند‌های سیاه و دستجات مزدور بعدا بسیار رایج شد و حکومت جمهوری اسلامی که این شیوه سرکوب زبردندانش مزه کرده بود، هر جا مبارزه‌ای به چشم می‌خورد این مزدوران را به اسم حزب‌اللهی به میدان میفرستاد. رودر رویی این حزب‌اللهی‌ها با هر نوع مبارزه

را، کارگران و زحمتکشان آگاه را خلاصه کلیه کسانی را که با حکومت حامی نظام سرمایه‌داری وابسته مبارزه میکنند، دستگیر میکند، شکنجه میدهد و حتی به جوخه اعدام می‌سپارد. اینک کسانی چون هادی غفاری و حاج ماشاء الله قصاب (چاسوس سیا که افشاگری‌ها در مورد او در همه ایران پخش شده است) و... بنمایندگی از طرف حزب جمهوری اسلامی و حکومت برای سرکوب مبارزات توده‌ها و انقلابیون، سازماندهی کرده و در دسته راه‌انداخته‌اند. حکومت اینک با به وسیله قانون (نظیر قانون دستگیری فروشندگان مطبوعات انقلابی و کمونیستی) و یا بسلیله راه‌انداختن در دسته‌های جماعت‌دار و قمع‌کننده و هفت تیرکشان و بمب‌اندازی، به جان نیروهای انقلابی و مبارزان افتاده است.

اینک پس از مرگ شاه، مردم به وضوح می‌بینند که حکومت اگر بتواند، نه تنها اجازه بحث نمیدهد، بلکه نفس کشیدن را هم برای انقلابیون و کمونیست‌ها و کارگران و زحمتکشان مبارز ممنوع میکند. آنها که ادعا میکردند تفتیش عقاید در "جمهوری اسلامی" ممنوع است اینک صدها نفر، معلم، دانشجو، کارگر، و کارمند را فقط به این دلیل که کمونیست یا مجاهد هستند از کار اخراج میکنند. باندهای سپاه با چماق و شورای انقلاب با قانون و سپاه پاسداران و ارتش مزدور اسلامی با گلوله‌های آمریکایی، آنچنان بجان کمونیست‌ها و انقلابیون و کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارزان افتاده اند که دیگر جای "بحثی" باقی نمانده است.

مردمی چنان آنان را به توده‌ها شناساندند است که اینک صحبت از ماهیت اینجور دستجات برای زحمتکشان آگاه ما امری بی فایده است. یادآوری خاطرات آنروزها، بیشتر از این نظر اهمیت دارد که بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم، در آن روزها این شعار عوام‌فریبانه را باور میکردند و ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر آنرا که تحت پوشش "وحدت طلبی" پنهان شده بود درک نمیکردند. در آن زمان مردم ساده دل، سرنگونی و مرگ شاه را معادل بوجود آمدن حکومتی میدانستند که در آن با آزادی و آزادی و فانی از ظلم و استثمار زندگی خواهند کرد. آنها که حکومت اسلامی را حکومت خودشان می‌پنداشتند، باور داشتند که پس از سرنگونی شاه، کمونیست‌ها با آزادی نظراتشان را با مردم در میان خواهند گذاشت و مردم نیز با آزادی قضاوت خواهند کرد!

اما کارگران و زحمتکشان ایران، پس از مبارزات طولانی و بدست آوردن تجربیات گرانبها، اینک پس از مرگ شادی آفرین آن جنایتکار تاریخ، بخوبی شاهد آن هستند که چگونه شعار "بحث بعد از مرگ شاه" اینک اشکال بسیار تکامل یافته‌تری بخود گرفته است. اگر آن زمان رهبران حکومت سعی میکردند با عوام‌فریبی و تحت نام "وحدت کلمه" و با تکیه بر اعتماد مردم در آن زمان جلوی اشاعه نظرات کمونیست‌ها را در میان کارگران و زحمتکشان بگیرند، اینک حکومتی که خود را بر سر مرادسوارمی بیند و فریب و نیرنگش نیز دیگرکاری از پیش نمی‌برد، با وحشیگری، کمونیست‌ها را، انقلابیون

رفقا و هواداران! 

در تکثیر و پخش هر چه وسیعتر

پیک رزمندگان

بکوشید!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

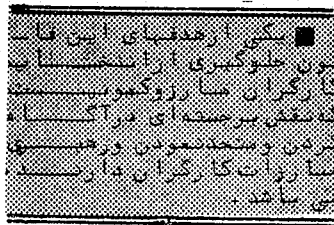
قانون اختیارات شوراها

تهاجم جدید حکومت برای سرکوب شوراهای واقعی

بعد از قیام بهمن ماه اندیشه ایجاد شورا با سرعت در سطح وسیعی میان کارگران کارخانها پا گرفت. در بیشتر کارخانها کارگران دست به ایجاد شورا زدند. اگرچه آنها دید روشن و همه جانبه ای از وظایف شورا نداشتند و اگرچه وظایف شوراها عموماً محدود به مسائل اقتصادی و مبارزه اقتصادی بود، و از محدود یک کارخانه و مبارزه با یک کارفرما خارج نگردید. و اگرچه عوامل کارفرما و رژیم جمهوری اسلامی در بسیاری از شوراها نفوذ کرده و از برتری و خصوصیات انقلابی شوراها کاستند، اما با همه اینها کارگران به شورا به عنوان یک ارگان مبارزه در برابر کارفرما و یا ارگانی که میتواند منافع اقتصادی کارگران را به دست آورد نگاه کرده و میکنند. به همین دلیل شوراها بی که به نفع کارگران کار میگردند در طی این مدت خارج چشم کارفرماها و دولت بودند. در اوایل گرداندگان جمهوری اسلامی به شدت با شوراها به مخالفت پرداختند و آنها را غیر قانونی اعلام کردند. ولی وقتی با مقامات کارگران روبرو گردیدند شیوه مخالفت خودشان را عوض کردند. با شوراها موافقت کردند ولی نه شوراها را واقعی و مبارزاتی بلکه شوراها را بی که وظایف آن محدود باشد و به منافع کارفرماها و دولت صدمه نزنند. شوراها را بی که بین منافع کارگران و کارفرمایان به نفع کارفرمایان سازش برقرار نماید کارفرماها و

دولت این کار را از دو طریق انجام دادند اول از طریق ایجاد شوراها و زرد کارفرمایان و نفوذ عمالشان در شوراها و سمپاشی و تبلیغات زهر آگین بر ضد کارگران مبارز و کمونیست برای جلوگیری از انتخاب شدن آنها برای شوراها و دوم محدود کردن وظایف و اختیارات شوراها به وسیله قانون. قانون شوراها و حدود اختیارات آنها که به تصویب شورای انقلاب رسیده در جهت تامین همین هدفها یعنی محدود کردن وظایف و اختیارات شوراها و تبدیل شوراها از یک ارگان مبارزه کارگران به سر علیه کارفرما یا زودولت حامی آنها، به یک ارگان سازش کارگران به نفع کارفرمایان. ماده ۴ این قانون به خوبی هدفهای رژیم جمهوری اسلامی را از شوراها و وظایف آنها نشان میدهد. ماده ۴ این قانون میگوید: "شورای اسلامی کارکنان از بین کلیه کارکنان واحدی و به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور، رشد و پرورش استعدادها و بالا بردن آگاهی کارکنان و ایجاد روحیه مشورت، همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و ایجاد خودکفایی اقتصادی و صنعتی و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند".

کاملاً از همین ماده روشن است که گرداندگان جمهوری اسلامی شوراها را یک تشکیلاتی میداندند که باید بین کارگران و مدیران همبستگی ایجاد کند و در جهت افزایش تولید و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی فعالیت کند چیزی که مطرح نیست منافع کارگران است. به این جمله ای که در ماده ۴ آمده است توجه کنیم! در این ماده گفته شده: "شورای اسلامی کارکنان از بین کلیه کارکنان واحدی و به نفع کارکنان... میشود".



آخر شورایی که مدیر هم بتوانند نمایند ۴ آن باشد چگونه میتواند در خدمت کارگران قرار بگیرد؟ مگر مدیران کارخانه نماینده و حامی منافع کارفرما نیستند؟ مگر در زمان شاه خائن و جمهوری اسلامی در تمامی کارخانهها کارگران در مبارزات حقوق طلبانه خود علیه کارفرماها با مدیران رود رو نبودند و نیستند؟ پس چرا گرداندگان جمهوری اسلامی در قاننون شوراها میگویند مدیران هم میتوانند نمایند شورا باشند. دلیل آن روشن است. برای اینکه از نظر آنها شورای کارخانه تشکیلاتی نیست که بتواند علیه کارفرمایان و دولت

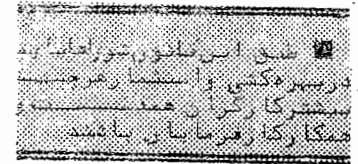
حامی آنها مبارزه کند آنها سعی میکنند شورا را احداث در محدوده مبارزات صنفی نگاه دارند و از نظر آنها شورا یک تشکیلات سازشکار است که در درجه اول باید منافع کارفرمایان و رژیم جمهوری اسلامی را تامین و پاسداری کند منافع کارگران را، ببینیم این قانون وظایف شوراها را چه میدانند: "ماده ۵ - الف: ایجاد روحیه همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و مدیران هر واحد به منظور بهبود و پیشرفت سریع امور واحد". اولین وظیفه شورا از نظر این قانون ایجاد همبستگی بین کارگران و مدیران است. اما آیا بین کارگران و مدیران همبستگی میتواند وجود داشته باشد؟ مدیران کارخانهها که یا خودشان کارفرما هستند و یا نماینده تمام الاختیار کارفرما و وظیفه شان حفظ منافع کارفرمایان و غارت دسترنج کارگران و سرکوب نمودن آنهاست. مدیران به عنوان بخشی از طبقه سرمایه دار (خصوصی و دولتی) دشمن طبقه کارگر هستند. در مقابل، کارگران باید با مبارزات خود حقیقت را از حلقوم کارفرمایان و مدیران بیرون کنند. آن شورا را بی که بخواند مدیران از مدیران یعنی کارفرماها همبستگی ایجاد کند آن شورا نماینده کارگران نیست بلکه نماینده وجیره خوار کارفرماست.

وظیفه شورای واقعی آنستکه با آگاه نمودن کارگران دشمنی کارگران با کارفرمایان دولت حامی آنها را برای کارگران زروشن سازد، و نشان دهد بین آنها هیچ وجه مشترک و منافع مشترکی وجود ندارد. وظیفه شورای واقعی اینست که همبستگی و اتحاد کارگران را در مقابل دشمنان خود یعنی کارفرمایان و دولت بیشتر و مستحکم تر کند.

وظیفه بعدی شوراهاست نظارت بر قانون "ب" به سلاطین سطح دانش و آگاهی کارکنان در زمینه های فرهنگی اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و حرفه ای و نظایر آنها.

به ظاهر این وظیفه خلی هم خوب است، و ما هم معتقدیم که شوراها باید سطح دانش و آگاهی کارگران را بالا ببرند. ولی باید توجه کنیم که معنای کلمات از نظر سرمایه داران و گردانندگان جمهوری اسلامی با مفهوم انقلابی و کارگری آن از زمین تا آسمان فرق دارد. وقتی این قانون میگوید شوراها باید آگاهی و دانش سیاسی و اجتماعی کارگران را بالا ببرند یعنی شوراها باید آگاهی و دانشی که به نفع سرمایه داران و استثمارگران است را تبلیغ کنند که در واقع یعنی جلوگیری از رشد آگاهی و دانش سیاسی کارگران هستند؟ عدد در صد اینطور نیست. مسلماً اگر شورایی بخواهد برای

بالا بردن دانش سیاسی کارگری آنرا این مقاله بیک روزندگان را برای کارگران بخوانند و در اختیار آنها قرار دهند. مقامات جمهوری اسلامی با هر وسیله و حیلۀ آبی چنین شورایی را منحل و نمایندگان آنرا دستگیر و اخراج خواهند نمود. البته اگر قدرتشان را داشته باشند (یا نه) چرا؟ برای آنستکه این گروه مغالان و سرمایستری مثل بیک روزندگان واجدند آگاهی و دانش سیاسی طبقه کارگران است، نه دانش سرمایه داران. و این چیزی نیست که کارفرمایان دولت بخواهند



علت جلوگیری از پیش نثریات انقلابی و کمونیستی در میان کارگران چیست؟ به چه دلیل کارفرما و عمال و جیره خواران او مثل سگ در محیط کارخانه بومیکشند تا اگر به اعلامیه و نشریه ای انقلابی و کمونیستی برخورد کردند آنرا پاره کنند و با هزاران دوز و کلک و جاسوسی کوشش میکنند پیش کنندگان آن اعلامیه و نشریات را شنا سایی و اخراج و دستگیر نمایند؟ چون از آگاه شدن کارگران میترسند، چرا که ادا م حکومت چپ اول گرانه شان درگرو نا آگاهی کارگران است. معلوم است که وقتی قانون به شوراها میگوید وظیفه شان بالا بردن آگاهی و دانش سیاسی و اجتماعی است منظور ش آگاهی و دانش سیاسی و اجتماعی که در خدمت منافع کارگران باشد نیست، بلکه آن

آگاهی و دانش سیاسی است که کارگران را همچنان نا آگاه و متوهم نسبت به منافعی خود و مسائل جامعه نگاه میدارد. و نظام سرمایه داری وابسته را ابدی و طبیعی و برحق جلوه میدهد.

* * *
وظیفه سوم شورای نظارت بر قانون جنین است: "حفظ حقوق سرمایه داران و احکام صحیح کار و ارائه پیشنهادها از نفعده. تبصره: نحوه نظارت نباید بطوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد."

در این جا قانون برای شورا حق نظارت قائل شده ولی منظور و هدف آن انجام صحیح کار و دادن پیشنهادها سازنده است. در واقع حق نظارت برای شورا نه در جهت منافع کارگران، و جلوگیری از سودهای کلان و زدی و رشوه و غیره..... بلکه انجام صحیح کاری یعنی در جهت تولید بیشتر و بهتر است.

نویسندگان این قانون برای اینکه مبادا کارگران از این بند قانون بِنفع خودشان استفاده کنند، بلافاصله یک تبصره آورده و گفته اند: "نحوه نظارت نباید طوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد." و با این تبصره دست کارفرمایان را باز میگذارد تا از هر گونه نظارت واقعی کارگران و شورای آنها، تحت عنوان اینکه مانع گردش طبیعی کار میگردند جلوگیری نمایند. ما در مقاله ای جداگانه هدف و منظور کارگران و شورای آنها را از نظارت واقعی بر امور

"کارگاه" و کارخانه را شرح خواهیم داد.

وظیفه چهارم: "در همکاری با مدیریت در تهیه برنامه ها بمنظور پیش برد امور واحد." و وظیفه پنجم: "در کوشش برای بالا بردن سطح تولید و دستیابی سریع تر به استقلال اقتصادی و تحقق خود کفایی"

در این دو وظیفه نیز شورا با بدعای دست کارفرما با شورش کار مدیریت به خدمت گذاری کارفرما مشغول باشند. در شرایطی که سیستم حاکم بر ایران سرمایه داری وابسته است در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی خود حامی و حافظ سیستم سرمایه داری وابسته است، قانون جمهوری اسلامی به شوراها میگوید: شما باید در جهت بالا بردن تولید و دستیابی به استقلال اقتصادی کوشش کنید. در واقع منظورش این است که شورا باید هم دست با کارفرما هر چه بیشتر از کارگران کار بکشند و تولید را بیشتر و بیشتر نماید. و جیب کارفرما و دولت را پر کنند و شیر جان کارگران را بکند. تا وقتی نظام سرمایه داری وابسته بر جاست بالا بردن سطح تولید ما را به استقلال واقعی اقتصادی نخواهد رساند. هیئت حاکمه هم نه میخواهد و نه میتواند استقلال اقتصادی ایران را تامین کند.

وظیفه ششم: "و حفظ حقوق کارکنان که بر طبق قانون تعیین شده است." و وظیفه هفتم: "در همکاری کوشش در ایجاد امکانات رفاه"

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

برای کارکنان در محیط کار و بهبود شرایط کاره"

تنها در این دو بند است که قانون برای شورا وظیفه حفظ حقوق کارکنان را در نظر گرفته است. آنهم در واقع شوراها را برطبق قانون تبدیل به نگهبانهای قانون های سرمایه داری کرده است. وقتی دولت مبلغ ۶۸ ریال (۱۲٪) اضافه حقوق را برای کارگران تصویب میکند، شورا باید در همین حد ۶۸ ریال (۱۲٪) کوشش کند؟ و کاری به این نداشته باشد که در همین یکسال قیمتها حداقل ۶۰٪ یا ۷۰٪ اضافه شده است، و کمترین کارگران زیر بار گرانی و کمبود خم شده شورا مربوط نیست. از نظر قانون شورا باید در حد قانون یعنی در حد قانون استثمارگران، سرمایه داران و کارفرمایان کوشش کند و نه بیشتر.

اینها بودند وظایف شوراها از نظر قانون جمهوری اسلامی و وظایفی که شورا از آن یک سازمان مبارزه کارگران تبدیل به یک سازمان هندست کارفرما و بیگ سازمان سازش دهنده منافع کارگران با کارفرمایان و صد البته به نفع کارفرمایان میکند.

در بخش شرایط انتخاب شومندان این قانون هم با محدودیتهایی سعی دارند جلوی انتخاب نمایندگان آگاه و انقلابی و کمونیست را بگیرند. یکی از شرایط انتخاب شومندان چنین است: "مومن به انقلاب اسلامی و میانی جمهوری اسلامی ایران" مسلم است که تئیزوهای

انقلابی و کمونیست هیچ اعتقادی به رژیم جمهوری اسلامی ندارند چرا که رژیم حاکم یک رژیم ضد انقلابی و ضد مردمی است، و حافظ نظام سرمایه داری است.

کمونیستها که برای نابودی نظام سرمایه داری مبارزه میکنند مسلم است که به چنین رژیمی معتقد نیستند حال حاکمان رژیم سرمایه داری وابسته در قانوشان میخواهند با این شرط از نماینده شدن کارگران انقلابی و کمونیست جلوگیری کنند. چرا که سرمایه داران و دولت به خوبی میدانند که کارگران انقلابی و کمونیست هیچگاه به منافع طبقه کارگر خیانت و با سرمایه داران سازش نمیکنند چرا که بخوبی میدانند کارگران انقلابی و کمونیست همیشه در جهت آگاه نمودن کارگران و متشکل کردن آنها میکوشند. به همین دلیل سعی میکنند به هر ترتیبی هست از انتخاب شدن این گونه کارگران جلوگیری کنند. محدودیت دیگر اینست که در این قانون برای انتخاب شدن شرط زیر را گذاشته است:

"داشتن حداقل دو سال سابقه کار متوالی قبیل از انتخابی در همان واحد"

اگر در هر کارخانه ای دقت کنیم میبینیم که تعداد کسانی که کمتر از دو سال سابقه دارند خیلی زیاد است. با این شرط در واقع تعداد زیادی از کارگران که در میان آنها مسلمانان کارگران آگاه و انقلابی هم زیاد است از حق انتخاب شدن محروم میشوند. در واقع این قانون میخواهد ایره انتخاب

شدن نمایندگان آگاه و انقلابی را هر چه بیشتر محدود کند.

در ماده ۸ و ۹ این قانون شرکت نماینده شورا در هیئت مدیره را مطرح میکند که در واقع ادامه تا مین هدفهای نویسندگان این قانون یعنی تبدیل شورا به یک تشکیلاتی در خدمت کارفرما است. ما در مقاله دیگر نظرات خود را در این زمینه خواهیم گفت.

ماده ۱۰، ۱۱ و ۱۲ این قانون مربوط به "هیئت نظارت بر امور شوراهاست" که عبارت است از دو نماینده کارفرما و دو نماینده شورا های اسلامی و یک نماینده دولت (اداره کار) که ریاست هیئت هم به عهده نماینده دولت (اداره کار) است.

با توجه به اینکه نماینده دولت یعنی نماینده اداره کار چه در زمان شاه خائن و چه در زمان جمهوری اسلامی همواره به نفع کارفرمایان عمل میکند، مشخص است که نمایندگان شوراها در اقلیت قرار خواهند گرفت. تازه این در صورتی است که نمایندگان شوراها در این هیئت واقعاً نماینده کارگران باشند.

مادیده ایم که کارفرمایان و دولت سعی کرده و میکنند که نمایندگان کارگران هم از شوراها و نمایندگان دست نشانده خودشان باشند و مشکل خائنینی چون ربیعی نماینده شورای غذا کارگری جنبه رال موتور که عنصر ضد کارگر و جیره خوار کارفرما و دولت و حزب جمهوری اسلامی است.

ماده ۱۴ این قانون "تشکیل شوراها را در شرکتها؛ دولتی بزرگ از قبیل شرکتها؛ ی تابعه وزارت نفت شرکت ملی فولاد ایران و... را واجب کرده است.

یعنی حتی تشکیل چنین شورا هایی با این چنین وظایفی را در واحدهای بزرگ با زیاد دولت تصویب کند.

ماده ۱۵ و ۱۶ این قانون وظیفه انجام صحیح انتخابات و نظارت بر کار شوراها و ایجاد تشکیلات و انحلال آنها را به وزارت کار میدهد. همان وزارت کاری که برای اکثریت کارگر میهن ما ماهیت ضد کارگری روشن است.

همانطور که در ابتدا گفت هدف این قانون اینست که شوراها را از محتوای انقلاب و کارگری خالی کند و آنها را با یک سازمان کارگری که علی کارفرمایان و دولت حاکم آنها مبارزه میکنند یک سازمان سازشکار فرمایان و دولت تبدیل نماید. در واقع بر طبق این قانون شوراها باید نقیض وظیفه ای را که سندیکان فرمایشی دوران شاه خائن بعهده داشتند، انجام دهند. مسلم است که طبقه کارگر ایران زیر بار چنین شورا هایی با چنین خصوصیات نخا و هدر ف و سازمانهای مبارزاتی خا را هر روز بیش از پیش استحکام خواهد بخشید. ما در مقاله های دیگر وظایف شورا های واقعی و سایر مسائل مربوط به آن شرح خواهیم داد.

ممنوعیت انتشار نشریات کمونیستی نشانه ترس حکومت است!



روز دوشنبه ۲۳ تیر عده ای مزدور حکومتی و حزب الهی به امداد پزشکی مجاهدین در دروازه غار حمله میکنند جوانان مبارز خیابان غار، هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر طبقه ای این عمل ضد مردمی را محکوم کرده اند در زیر بخشی از اعلامیه مذبور می آوریم: "... ما جوانان مبارز خیابان غار طرفدار سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، این حرکت ضد مردمی عده ای حزب الهی را محکوم میکنیم، و در مقابل یورشهای ضد مردمی و اخلاک گرانه آنان ایستادگی مینمائیم.

امداد پزشکی مجاهدین که برای درمان زحمتکشان غار تشکیل شده در میان آنها نفوذ بادی دارد و همین نفوذ، هیئت خاکمه و وابستگیش را به وحشت انداخته است. این امداد حتی بصورت مجانی زحمتکشان منطقه را درمان میکرد و به درد آنان میرسد. این حمله ضد مردمی حزب الهی ها جسد از سیاستهای سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی در مقابل مبارزات کارگران و خلقهای کشور ما (بخصوص خلق کرد و ترکمن) نیست. هیئت خاکمه ای که سنگ دفاع از مستضعفان را به سینه میزند چرا از کبار اینگونه امدادهای پزشکی جلو گیری میکند؟ چرا خلق کرد را سر کوب میکند؟ چرا دانشجویان انقلابی را به بیانه انقلاب فرهنگی کشتار میکند؟ و...."

در صنایع نظامی سلطنت آریا دهر هفته از طرف حزب جمهوری اسلامی سخنرانی گذاشته میشود. در این سخنرانی همیشه حداکثر بیش از ۱۰٪ کارکنان شرکت نمی کردند. اما به تازگی اعلام کرده اند که از این پس شرکت در جلسات سخنرانی برای همه اجباری است و هر کس در جلسه حاضر نشود، غیبت محسوب خواهد شد و سروکارش با انجمن اسلامی است. این مطلب در سخنرانی "باهر" توضیح داده شد.

به افراد ستاد بسیج ملی کارتی داده شده است که در هر کجا کسی را در حال پخش اعلامیه دیدند، میتوانند آنها را دستگیر کنند.

در شرف تعطیل است و نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه رشتی (نخ ریسی) که ۱۵ کارگرداشته نیز اخراج شده اند.

در تعداد بسیاری از روستاهای مازندران محمولات برنج به علت کم آبی در معرض خشک شدن است. دولت هیچگونه کمکی جهت جفر چاه و غیره به روستائیان نکرد. است. در یکی از روستاهایی که محصولات آن در شرف خشک شدن است جها دسازندگی قول کمک به ساختن مسجد محلی را داده است. مردم محل میگفتند "فکری بحال آب محل بکنید" محصولات آن خشک شده، مسجد را خودمان میسازیم.

در کارخانه لیفت تراک سازی تبریز کارگران برای مقابله با اخراج، صندوق مقابله با اخراج تشکیل داده و از هر

زحمتکشان خانجی آباد برای چندمین بار است که نسبت به وضع خراب آب و برق نظا هرات و راهپیمایی میکنند.

روز دوشنبه ۲۹ تیر ساعت ۱۰ صبح حدود دو هزار نفر از اهالی قرچک جلوی شهرداری قرچک جمع شدند. خاست آنان تامین آب و مشکل دوده کوره ها بود که مردم محل را شدیداً آذیت و به انبوه بیماریها مبتلا میسازد. مردم شعار میدادند "مرگ بر شهر دار و مزدورانش" و شهردار از ترس فرار کرده بود!

انتشارات "در راه حق" قم صندوق پستی شماره ۵، برای بعضی از اعضای بسیار نزدیک



عمل ضد انقلابی اخیر - کارگران مبارز و آگاه که سرآغاز سرکوب مبارزات هر چه آشکارتر کارگران است. در من کارخانه های آمل را هم گرفته است. این اخراج در بعضی کارخانه ها مانند جین مُد با مقاومت کارگران روبرو شده است. و در بعضی جاها مثل کوره پزخانه ممتاز که بعد از قیام دولتی شده بود، کارگران مبارز و انقلابی علیه آن دست به افشگری زده اند. در کارخانه جین مُد ۴ نفر و در کوره پزخانه ممتاز ۲ نفر و از کارخانه الکتروالکترونیک ۱۱ نفر اخراج شده اند. بعلاوه کارخانه بلو جین آمل که کارگران آن ۱۰ ماه است حقوق دریافت نکرده اند.

کارگری سهم میگیرند. کارگران از این عمل استقبال کرده اند.

از تاریخ ۲۶ تیر مه کودک سازمان مرکزی تا مین اجتماعی تعطیل شد و گویا طی یک بخشنامه دولت به تمامی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی دستور تعطیل مه کودک را داده است. تا از این طریق زنان کارمند را مجبور به استعفا کند.

روز پنجشنبه ۲۶ تیر، ۳۰۰۰ نفر از اهالی خانجی آباد به منظور اعتراض به قطع برق که چند روز پیش ادا شده به طرف "برق منطقه ای ژالد" حرکت کردند. در محل برق ژاله مقامات با قول و وعده مردم را پراکنده میکنند.

خودنامه ای بطور مختصر فرستاده و از آنان درخواست میکند به فعالیت در جهت شناسایی کمی نیست ها بپردازند!

کارگران شرکت برق اتم آرکیش شیرگاه، از روز ۲۱ تیر دست به اعتصاب زدند و رئیس شرکت و سرپرست آنرا به ثروگان گرفتند. ۳ ماه پیش کارگران این شرکت برای ۳ خواست، افزایش دستمزد، بیمه و استخدام کارگران پیمانی دست به اعتصاب زده بودند که به خواستهای آنان جوابی داده نشد. کارگران دوباره با همان خواسته ها از ۲ هفته پیش دست به اعتصاب زده اند که هنوز به خواستهایشان رسیدگی نشده است. کارگران تا ۳۰ تیر شروع بکار نکردند.



اخبار کارگری

دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان بایک اطلاعیه شورای کارکنان صنایع نفت اهواز را منحل و با این عمل، رای ده ها هزار کارگر و کارمند صنعت نفت را باطل کرد. دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان با این اطلاعیه دشمنی خود را با خواست توده ها، با خواست کارگران و کارمندان صنعت نفت آشکارا نشان داد.

از سوی دادستان انقلاب اسلامی خوزستان شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت اهواز، منحل شد

اهواز - شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت اهواز منحل شد. در این اطلاعیه، دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان اعلام کرده است که این شورا را منحل کرده و با این عمل، رای ده ها هزار کارگر و کارمند صنعت نفت را باطل کرد. دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان با این اطلاعیه دشمنی خود را با خواست توده ها، با خواست کارگران و کارمندان صنعت نفت آشکارا نشان داد.

دوستان! در پی انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت اهواز، از سوی دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان اعلام کرده است که این شورا را منحل کرده و با این عمل، رای ده ها هزار کارگر و کارمند صنعت نفت را باطل کرد. دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان با این اطلاعیه دشمنی خود را با خواست توده ها، با خواست کارگران و کارمندان صنعت نفت آشکارا نشان داد.

گزارشی از:

مبارزات کارگران قهرمان کارخانه البرز

به دنبال مبارزات قهرمانانه کارگران البرز برای اخراج مدیر دولتی ضدکارگرخانه و پیروزی کارگران در آخر اج گودرزی نماینده دولت درخدا داد سال کارگران، کارخانه را به اشغال خود درآورده و اداره کارخانه را در دست میگیرند. (جریان اشغال کارخانه و اخراج کارگران را در گزارشی دیگر خواهیم داد) بعد از یک هفته اشغال کارخانه، هیئت مدیره یا ریگرتولید را در دست گرفته و مجددا شورا و هیئت مدیره بزرگ دستمزدها و میزان قدرت و اختیار را شورا درگیری می شوند. شورا به کمک کارگران آگاه و مبارزان اساسنامه های مترقی تهیه میکنند که مورد قبول مدیریت قرار نگرفته و به استعفا شورا در روز ۲۶ تیر منجر میگردد. اما این بار کارگران مجددا در پشت سر شورای خود سیخ میشوند و روز ۲۷ تیر شعار "شورا، شورا، شورا" حمایت می کنیم "کارگران، فضای کارخانه را به لرزه در می آورند، پشتیبانی کارگران از شورا، کارفرما را به عقب نشینی وادار میکنند و مذاکره میان هیئت مدیره دولتی (قنبری و دولت شاهی) با شورا جریان می یابد. در جریان مذاکره یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره برای سرکوب کارگران و تفرقه در میان آنان وجدان کردن کارگران آگاه و مبارزان دیگر کارگران روز ۲۹ تیر حکم اخراج ۵ تن از آنها را صادر میکنند. کارگران شورا به حمایت فعال از آنان بر می خیزند و مانع اخراج این ۵ کارگر مبارز شده و با اتحاد و یکپارچگی، آنها را به داخل کارخانه می آورند.

مدیر دولتی و هیئت مدیره که تمام حیلها و اعمال ضدکارگری خود را نقش بر آب می یابد، به آخرین حربه یعنی سرکوب آشکار متوسل شده و روز ۳۱ تیر پاسداران را برای جلوگیری از ورود این ۵ کارگر مبارز به جلوی کارخانه می آورد. عده ای از کارگران در ابتدای ورود با تعجب به پاسداران می نگرند و از کارگران مبارز می پرسند: "مگر شما کسی را کشته اید"، "مانمی گذاریم شما را ببرند". در پی درگیری کارگران و پاسداران، ۵ کارگر اخراجی دستگیر میشوند و آنها را به کمیته میبرند. کارگران تصمیم به حمایت فعال اعصاب میگیرند و شورا به این انرژی و قدرت انقلابی کارگران توجه نکرده و در جهت آزاد کردن کارگران از راه های قانونی تلاش میکند. در این میان ۲ تن از کارگران را آزاد میکنند و ۳ تن دیگر را برای بازجویی نگه میدارند.

روز اول مرداد این دو کارگر به سرکار می آیند و کارگران با شور و اشتیاق از بازگشت آنها استقبال میکنند اما هیئت مدیره با زهم به نیروی حامی خود یعنی پاسداران متوسل شده و دوباره این دو تن دستگیر میشوند. این جریان بار دیگر تکرار میشود و این بار پاسداران با تیراندازی هوایی دخالت کرده و با بزرگاری سخنرانی و با تهمت و افترا علیه کمونیست ها سعی میکنند که میان کارگران تفرقه بیندازند. روز ۵ تیر هیئت مدیره کارخانه را تعطیل میکند. سرویس ها دنبال کارگران نمی آیند و تنها نیمی از کارگران با وسایل نقلیه دیگر خود را به کارخانه می رسانند. پاسداران در جلوی کارخانه جمع شده و در پی دستگیری کارگران میا زور می آیند.

مبارزات توده ها، کارگران و زحمتکشان به چنان شدتی رسیده است که دیگر نمیتوان آنها را با سادگی فریب داد و دیگر نمیتوان با شعارهایی نظیر "با بدصبر انقلابی داشت"، "فعلا در حال مبارزه با آمریکا هستیم"، "ما برای نان مبارزه نکردیم بلکه مبارزه ما برای اسلام بود"، توده ها را فریب داد، اینک زمانی فرا رسیده است که هیات حاکمه باید به سرکوب آشکار روی آورد. سرکوب آشکار یعنی اخراج کارگران انقلابی و مبارزان، سرکوب آشکار یعنی تعطیل کارخانجات و اخراج صدها کارگر و کارمند، سرکوب آشکار یعنی تعطیل شورای صنعت نفت به بهانه "دخالت های نابجا در مدیریت"، هرگونه تجمع تجدید انتخابات را به دستور خود موقوف میکند و "اداره حراسد صنعت نفت" را، که جایگزیم اندازه حفاظت و ساواک کارخانه نجات زمان شاه خائن شده است موظف میکند که کارکنان را در صورت تخطی از این امر "تجدید پیگرد قانونی" قرار دهد این اطلاعیه در حالی صادر شد است که کارگران صنعت نفت مدت ها است با مبارزه پیگیر خود در خواست های متعددی از جمله برکناری معین فروزیرنفت بقیه در صفحه ۱۲

سرکوب آشکار یعنی انحلال دهها اتحادیه و شورای واقعی و تصویب قوانین ارتجاعی برای قانونی کردن سرکوب شوراها. رژیم جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند بر پایه توهم توده ها حکومت کند، کارگران و زحمتکشان ۱۸ ماه تجربه مبارزه تمامی خلقهای ایران را بهوش میکشند تعداد بسیاری از آنها دیگر به ما هیت جمهوری اسلامی پی برده اند و از این سر حفظ حکومت از این پس اساس درگرو صدور دستورهای استکبارانه آگاه ترین توده ها را نیز برودر رویی منافعشان با هیات حاکمه آشنا میکند. دادستان انقلاب در این اعلامیه به بهانه "دخالت های نابجای شورا در مدیریت"، هرگونه تجمع تجدید انتخابات را به دستور خود موقوف میکند و "اداره حراسد صنعت نفت" را، که جایگزیم اندازه حفاظت و ساواک کارخانه نجات زمان شاه خائن شده است موظف میکند که کارکنان را در صورت تخطی از این امر "تجدید پیگرد قانونی" قرار دهد این اطلاعیه در حالی صادر شد است که کارگران صنعت نفت مدت ها است با مبارزه پیگیر خود در خواست های متعددی از جمله برکناری معین فروزیرنفت بقیه در صفحه ۱۲

ویژه کارگران منتشر شد: (۱ و ۲)



بقیه از صفحه ۱۴

شاهد دوباره . . .



اما دیکتاتور خون آشام، دوبار مرد و هر دو بار مردم در خیابانها به شادمانی پرداختند. یکبار در دیمه ۵۷ زمانی که وجود کثیفش از خاک میهن زحمتکش با خاری و خفت خارج شد. و یکبار، در ۵ مرداد ۵۹، که حیات زانو وارش در بیمارستانی در مصر، و تحت نظارت پزشکان آمریکایی به پایان رسید.

محمد رضای خائن، کسی که میلیاردها تومان از اموال خلق را به غارت برد، کسی که در سالهای سیاه حکومتش چیزی جز جناحیست، خیانت و سرسپردگی به امپریالیسم از خود نشان نداد در حالی زندگی تنگینش به پایان رسید که خلق آگامو هوشیار ما، مدتها بود شعاع استرداد شاه خائن را در زمهره شعارهای خویش قرار داده بود و قصد داشت با محاکمه انقلابی

ای توده ها به حکومتی در خارج از مرزها، و به این یا آن عمل آمریکا محدود نمی شود، امپریالیسم حضور خود را در سیستم سرمایه داری، وابسته نشان میدهد، اما هیات حاکمه سعی میکرد تا با طرح مساله غرامت و بازگرداندن شاه، در ضمن اینکه خود را ضدا امپریالیست نشان می دهد، با سرکوب مبارزات توده ها که در جهت ناپودی سیستم سرمایه داری وابسته است از مبارزه واقعی ضدا امپریالیستی که موجودیت خودش را هم به خطر می انداخت جلوگیری کند.

... دیکتاتور خون آشام، دوبار مرد و هر دو بار مردم در خیابانها به شادمانی پرداختند. یکبار در دیمه ۵۷ زمانی که وجود کثیفش از خاک میهن زحمتکش با خاری و خفت خارج شد و یکبار در ۵ مرداد ۵۹، که حیات زانو وارش در بیمارستانی در مصر و تحت نظارت پزشکان آمریکایی به پایان رسید.

کند و مبارزات خلق قهرمان ایران را در جهت قطع نفوذ امپریالیسم و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به دعوی سیاسی بر سر شاه و اموال غارت شده اش محدود سازد. در واقع، امپریالیسم

به سرای اعمالشان آزاد کنند. اما برای کارگران و زحمتکشان توده ها، مبارزات ضدا امپریالیستی در اینها خلاصه نمی شود. برای توده ها، مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه علیه سیستم سرمایه داری وابسته جدا نیست.

اینک که شاه مرده است، هم امپریالیسم و هم هیات حاکمه، از دست این استخوان گلوگیر راحت شده و زمینه را برای پایان دادن به بحران روابط خود ما برای گروهی فراهم میکنند. درحالی که توده ها، با مردن شاه، دست از مبارزات ضدا امپریالیستی خویش برنخواهند داشت و هیچ امتیاز و غرامتی نمیتوانند عزم راسخ کارگران و زحمتکشان ما را در نابودی وابستگی، یعنی ناپودی سیستم سرمایه داری وابسته، دچار رستی و خلل کند. آنها همانطور که رفتن شاه از کشور، به پایان دادن مبارزاتشان بر علیه رژیم منجر نشد، اینک نیز با شناخت هر چه بیشتر از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، به مبارزات خویش تاننا بوی نظام سرمایه داری وابسته ادامه خواهند داد.

اگر دیروز توده های ناآگاه نیز از تمامی اقدامات حکومت پشتیبانی میکردند امروز تنها حامیان فعال حکومت، مرتجعین و مزدوران نژادیک به حکومت می باشند. کسانی که ما هیتشان و پایگاه طبقاتی شان روز به روز بیشتر برای مردم شناخته شده است، اما کارگران مبارز شرکت نفت، و همه کارگران ایران، شوراها و اتحادیه های واقعی خود را که دستاورد مبارزات چندین ساله و قیام خونین بهمن ماه است با تمام قدرت پناهنده می دارند و توطئه های رژیم را رسوا و بی اثر می سازند.

و عضو شورای انقلاب را داشته اند این عمل به روشن ترین صورت ماهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. دادستانی انقلاب خوزستان، این عامل کشتار شهدا دکتر نریمی سا، مهدی علیوی شوشتری، منوچهر جعفری، احمد مودن، مسعود انبالی و دهها کمونیست مبارز و انقلابی دیگر اکنون به سرکوب آشکار کارگران و زحمتکشان روی آورده و حا می این سرکوب تیز تر تنها و تنها "روحانیت مبارز" اهوذاست.

بقیه از صفحه ۱۴ — گزارشی از ...

اعضای شورا در مقابل این عمل به دنبال راه های قانونی بوده و به کارگران میگویند که در صورت تعطیل کارخانه به وزارت صنایع و معادن مراجعه کنید. که به ما پاسخی ندادند. کارگران در مقابل در بسته کارخانه و بعلت عدم برخورد قاطع و انقلابی شورا دسته دسته پراکنده میشوند. با سداران بعد از خلوت شدن آنجا، ۵ نفر از کارگران را که ۳ نفر از آنها عضو شورا بودند، دستگیر میکنند. روز بعد ۲ نفر از دستگیر شدگان آزاد، یک نفر به عماد زندان محکوم و دو تن دیگر از آنان در کمیته مرکزی وزیر بازرگانی به سر میزنند.

هیئت مدیره بعد از این ماجراها و دستگیری ها کارخانه را دوباره باز کرده است. اما اکثریت کارگران خواهان بازگشت شورای کارخانه هستند و رضایتی کارگران از کمی دستمزد نیز همچنان به قوت خود باقی است. در روزهای اخیر (بعد از ۵ مرداد) مبارزات کارگران برای آزاد شدن و بازگشت همزمانی نشان به سرکار به راههای مختلف اندامه دارند. تعدادی از کارگران به اتاق قنبری رفته و خواستار بازگشت هیئت مدیره کارگران به سرکار خود شده و جلسه سخنرانی قنبری را بر هم زدند. اینک مبارزه در کارخانه نه الجز علی رغم اینکه هنوز متحدانه و یکپارچه نشده است، اما مه دار و دوتوی بدخش مبارزات متشکل و یکپارچه کارگران مبارز البرز در آینه ای نزدیک است.

بالغوقانون سود ویژه:

رژیم بار بحرانی اقتصادی را بردوش کارگران می اندازد!

حمله و هجوم عمد جانسود رژیم جمهوری اسلامی به طبقه کارگر همچنان ادامه دارد. در پی تصویب ماده حقوقی ۶۸ قانون مالیات سال ۱۳۵۷، موج اخراج مدا انقلابی کارگران و خصوصیت مانیونی ضدکارگری شورآها، هیئت خاکه ساسا "سود دوسره کارگر کسر از یکبار دیگر با هیت ضدکارگری خود را نشان داد.

در شرایطی که بار اصلی بحران اقتصادی را ما معسر و دروغ کارگران مسین ماسنگینی میکند، در شرایطی که کارگزاران سراسر آم آور کالاهای وسکاری، کمربند کارگران و زحمتکشانی ما را خم کرده است، در چنین شرایطی حکومت دستمردها و مزایای کثونی کارگران را نیز بکده هیچ وجه تکافوی رفع نیازهای اولیه طبقه کارگر را نمیکند که هس میدهد.

اگرچه رژیم شاه از قانون سیم کردن کارگران در سود ویژه هدفهای ضدکارگر خاصی را دنبال میکرد، ولی هیچگاه نتوانست به هدفهای خود برسد. کارگران همواره بودند و بیزه را بخشی از حقوق مسلم خود میدانستند و میدانند در زمان شاه و همینطور جمهوری اسلامی، بسیاری از اعتصابات و مبارزات کارگری بر سر مسئله سود ویژه و میزان آن بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی با این کار خود سراسر اقدامات ضدکارگری دیگر نشان میدهد که به تنهایی در جهت منافع کارگران و زحمتکشانی بر نمی داند بلکه تمامی عملکردها بین کارگران و زحمتکشانی است. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد با میلیونها تومان هزینه های سنگین نگهداری ارتش و پاسدا - زان و تجهیزات آنها از قبیل توپ و تانک را که در جنگ کردستان بر علیه خلق کردیکار میبرد، بردوش کارگران بیندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد هزینه نگاهداری هزاران پاسدا را که در سراسر ایران کاری جز سرکوب کارگران و زحمتکشانی و نیروهای انقلابی ندارند، به دوش کارگران بیاندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد میلیونها تومان بیاداشی را که بابت جنایات ارتش و پاسدا را ن به آنها میدهد، بردوش کارگران بیاندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد هزینه میلیونها تومان پولی را که از بودجه مملکت صرف کارهای تبلیغاتی مختلف حکومت، حقوق و مزایای مدیران و سایر مفت خوران میشود به دوش کارگران بیاندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد عوارض بحران اقتصادی جامعه را که ناشی از سیستم پوسیده سرمایه داری وابسته و سیاستهای ضد انقلابی حکومت است به قیمت فقر و کاهش دستمزد و مزایای کارگران جبران سازد. و چرخهای زنگ زده مظار سرمایه داری وابسته را با تحت فشار قرار دادن کارگران و محرومیت هر چه بیشتر آنها به راه اندازد. و شرایطی بیای سرمایه داران و بازاریان چپاول گرومفت خور فراهم کند که با غارت دسترنج کارگران و زحمتکشانی و گران کردن هر چه بیشتر کالاهای سرمایه های هر چه بیشتری انباشته سازند و با سرمایه گذاری مجدد آن با زهم به چپاول گری ادامه دهند.

کارگران مبارز و آگاه! بحران اقتصادی سیاسی کنونی جامعه ما ناشی از حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته است. رژیم جمهوری اسلامی که با تمام نیرو در جهت حفظ این سیستم کوشش میکند سعی دارد با راهزینیهای این بحران را به دوش کارگران و سایر زحمتکشانی بیاندازد. کارگران چاره ای جز مبارزه ندارند. و برای مبارزه باید آگاه و متحد باشند.

با مبارزه، متحدانه خود جلوتهاجم رژیم را برای کاهش دستمزد و دیگر مزایای کارگران بگیریم.



به یاد رفقای انقلابی:

تقی شيرازي
دکتر سرسبز
مهدی عطوی فوتبالی
احمد مومنی
مسعودها سبانی
منوچهر جعفری
اسفندیار رفیعی
فرامرز حمیدی
پرویز گنجی (کاک فاشی)
کدخدایان کورانی
وزحمتکشانی خون سرخشان
بسیار خطای رژیم جمهوری
اسلامی نورسین رستمی

ما از دل سوای ترکمن صحرا،
از کلبه کلبه ای هر روستای کردستان
این قلب پر طیش انقلاب خلی
ایران،
ویا به پای "بیزله" می مردانه ای دلا-
وران خلق عرب،
با شما ستیز خواهیم کرد!
و عاقبت
بهمراه با اردوی بشمار کار-
بنیان نظم سرمایه را،
تا بود خواهیم نمود!
با خاکسترمان - انبوه -
ژرفای دره عمیق میان کاپیتال-
لیسم و سوسیالیسم را
لنریز خواهیم نمود!
از خشم توده های خلق
عظیم ترین آتش ها را بر خواهیم
افروخت
و شما را نیز
ای دشمنان انقلاب!
در آن آتش عظیم
خواهیم سوخت!

ای سره جنان میام نموده ها!
ای پاسداران جدید سرمایه!
ای سنگ و نفرت سر هر جناحتان!
اعدامان کنید! (با حکم
بیدادگانه خدا انقلاب!)
تیربارانمان کنید!
و پیریشان کنید کلبه های خونمان
بر دیوار و بر در زندان اهواز،
واوین،
و آبادان...!
کلکون کنید خاک مزارع و سنگفرش
خیابان
در سراسر ایران!
از خون سرخمان دریغ نخواهیم کرد!
و از پای نخواهیم نشست!
تاریخ را کواهِ: که ما کمونیست ها
از پای نخواهیم نشست!
ما از سنگر هر کارخانه،
از کوچه های "سپورآباد"
از قعر گودهای "دروازه غار"،
بر علیه تان خواهیم جنگید!
و از پای نخواهیم نشست!

توسط هواداران سازمان منتشر می شود:

رزمندگان بلوچستان

سال اول - شماره ۵۹، ۴۱۸ شماره ۵

هفته هجدهم

سازمان رزمندگان بلوچستان

سیستان و بلوچستان

- چرا در بلوچستان، هر
- تصفیه ادارات
- پاسداران دست در ده
- شرماندهان امریکایی
- از زبان زحمتکشانی
- فرنگیان مبارز

بقیه از صفحه ۱۵

آیا مجاهدین...

تی باز هم ادا مه همان سیا ستهای مماشات جویانه وسا زشکارانه و چشم دوختن به ضدا انقلاب و پشت کردن به انقلاب نیست؟

است که با روشن کردن ما هیت هردو ضدا انقلاب، هم کوندا چنان که عمال مستقیم امیریا لیسیم هستند و هم حکومت جمهوری اسلامی را، که جاده صاف کن استقراا روسلطه کا مل و مجددا امیریا لیسیم وزمینسه ساز کودتای امیریا لیستی است، افشاء کرده و راه حل و برنامہ خود و چگونگی رسیدن به آن را به توده ها نشان دهند. آیا عدم فعالیت وسیع و گسترده و تنها جمعی از زمان مجاهدین در چنین شرایطی از رشد مبارزه طبقاتی

بقیه از صفحه ۱۶

اخبار کردستان...

در پی سیاستهای سازشکارانه دموکراتها مبنی بر حمایت از ملاکین و بورژواها، زارعین و زحمتکشان سدروستا آنها را از روستاهای خود بیرون کرده اند.

بمب گذاری ضد انقلاب، بهانه رژیم برای دستگیری انقلابیون

امیریا لیسیم آمریکا و دارودسته ضدا انقلابی بختیا رخائن به کمک مزدوران ساواکی، پس مانده عمال رژیم شاه و مزدوران بعث عراق برای بدست آوردن بهشت از دست رفتنشان به هرگونه اقدامات ضد مردمی دست میزنند. از جمله بمب گذاری و کشتار مردم زحمتکش میهن ما. در هفته گذشته با رژیم تعدادی از هموطنان ما در اهواز با بمب گذاری عنان صرمزدوران امیریا لیسیم و بختیا رورژیسم جنایتکار عراق کشته و مجروح شده اند. اگرچه ما وسایر نیروهای انقلابی و کمونیست بارها و بارها عمل بمب گذاری را محکوم کرده ایم، اما رژیم جمهوری اسلامی بی شرمانه سعی کرده و میکند که این گونه اعمال را به نیروهای انقلابی و کمونیست نسبت دهد. اگرچه تاکنون این تلاش آنها بی نتیجه مانده است ولی هنوز هم گردانندگان رژیم از این عمل خود دست برنمیدارند. تازه ترین آنها خبری است که در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است. در این خبر بطرز بی شرم مانه ای سعی شده دو جوان مبارز را که برای آگاهی دادن به مردم اعلامیه سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر را پخش میکرده اند و به وسیله پاسداران رژیم دستگیر شده اند، بمب انداز معرفی نمایند. ما این گونه توطئه های ضدا انقلابی گردانندگان رژیم را که برای بدنام کردن نیروهای انقلابی و کمونیست چیده میشود، شدیداً محکوم نموده و خواهان آزادی بی قید و شرط آنها را میباشیم.

مرگ بر امیریا لیسیم و دارودسته بختیا رخائن! هر چه رسوا تر باشد توطئه های ارتجاعی!

گرامی باد ۱۴ مرداد سالروز...

بقیه از صفحه ۱۴

خرید و فروش کالا سبب بدست آوردن اینان فتودالیسم را در راه منافع خود گسترش سرمایه هایشان مانعی نمیدیدند. سرانجام در پی مبارزات توده ها مظفرالدین شاه مجبور به امضای مشروطیت شد. اگرچه این فرمان امضاء شد، اما هنوز بر روی کاغذ بود و ارتجاع حاکم حاضر نبود به مفاد آن عمل کند. قانون مشروطه اگرچه میخواست به توده ها آزادی هایی که تا آن زمان نداشتند بدهد ولی قانونی بود که نمیتوانست حامی منافع توده ها باشد. انقلاب مشروطه به پیروزی نرسید و قانونی که بدست آمد در واقع مشروطیتی بود که حاکمیت ارتجاع و وابستگی به روسوانگلیس را حفظ میکرد این نمیوانست مورد قبول و تأیید مردم باشد. از اینرو انقلاب ادامه یافت و توده ها به مبارزه خود ادامه دادند. در رشت، تبریز، مشهد و اصفهان و بسیاری شهرها مبارزه جریان یافت. در بسیاری مناطق توده ها آستین ها را بالا زده و اموال فتودالها را مصادره کرده و بین خود تقسیم کردند، کارگران چا پخانه های تهران اولین مراکز صنعتی ایران دست به اعتصاب زدند و اولین اتحادیه کارگری کارگران ایران را در همان سال ۱۲۸۵ پایه گذاری کردند.

مبارزه توده ها ادامه یافت اما این مبارزه فاقد رهبری واحد و در بسیاری نقاط فاقد رهبران انقلابی بود، بجز تبریز و تاجیک رشت، رهبری مبارزات انقلابی توده ها را فتودالها و سرمایه داران بزرگ در دست داشتند کسانی که به راحتی به سازش با حکومت نشستند، تنها رهبران توده ها در تبریز کسانی چون ستارخان و باقرخان و انقلابیونی چون حبیبی و غلی و علی مسیومردم را مسلح کرده و برای مقابله مت مسلحانه علیه حکومت و ارتجاع بسیج کردند و بقیه راه سازش در پیش گرفتند. مقابله مت مسلحانه مردم تبریز موجب شد که جنایت ها و ترسناکی های محمدعلیشاه (پسر مظفرالدین شاه) که مجلس را هم به کمک ارتجاع روس به توپ بسته بود محدود مانده، ماعدم رهبری انقلابی و واحد توده های مردم نه تنها او را از قدرت برکنار ساخت، بلکه دولت جدید که از رهبران مبارزات توده ها در اصفهان و رشت تشکیل شده بود، برای اومستمری هم تعیین کرد.

منفردماندن مبارزان تبریز در مقابل و مقابله و مقابله با دولت مرکزی و عدم آگاهی سوسیالیستی رهبران آن آنان را نیز به عقب نشینی در مقابل حکومت وادار کرد و اولین اقدام حکومت جدید که بزرگترین سرمایه داران بنا فتودالها در مقابل قدرت گیری توده ها بر سر کار آمد، خلع سلاح مردم قهرمان تبریز و از بین بردن خطر قدرت یابی مجدد آنها بود و بدین کار نیز موفق گشت. انقلاب مشروطیت انقلابی بود که وظیفه داشت فتودالیسم را سرنگون و توده ها را به حاکمیت برساند، اما ضعف نیروهای انقلابی و پرولتاریا و ضعف تجربه تاریخی طبقه کارگر جهان و ایران در آن زمان از یک سو و خبیانت سرمایه داران به توده ها از سوی دیگر انقلاب مشروطه را با یک سازش میان بورژوازی بزرگ و فتودالها و حفظ فتودالیسم همراه با امکان رشد سرمایه داری و بقاء سلطه امپریالیست های روس و انگلیس پایا نداد. بعد از انقلاب مشروطه اگرچه هیچگاه استقراا رروا بط فتودالی به همان شدت وحدت گذشته نبودا گرچه توده ها در جریان مبارزه تجارب زیادی بدست آوردند، اما روابط استثماراری و استعماری همچنان باقی ماند. انقلاب مشروطیت، به ما آموخت:

- ۱- در عصر امپریالیسم بجز طبقه کارگر، همه اقشار و طبقات دیگری که در رهبری انقلاب قرار بگیرند، در مقطعی از انقلاب با قدرت حاکمه یا بقایای آن سازش کرده و مانع نابودی کامل روابط استعماری و استثماراری میشوند.
- ۲- تنها توده های مسلح میتوانند در مقابل ارتجاع و امپریالیسم مقاومت کنند.
- ۳- در صورت سازشکار بودن رهبری انقلاب هر چه قدر هم مبارزه توده ها مشحون از دلاوریها و قهرمانیها باشد، بساز هم نمیتوانند منجر به قطع کامل وابستگی و از بین رفتن بهره کشی و استثمار گردند.
- ۴- اولین کار هر حکومت ضدا انقلابی و سازشکار خلع سلاح توده ها و تشکل های انقلابی مسلح، به اشکال مختلف است.

و.....

آری، انقلاب به توده ها درس میدهد. انقلاب مشروطیت، قیام ۲۰ تیر، و قیام ۲۲ بهمن درسی است برای توده ها و مبارزه نهایی، مبارزه ای که ریشه هر گونه ظلم و استثمار را براندازد و پرچم سرخ سوسیالیسم را بر فراز کشور ما و سراسر جهان به اهتزاز درآورد، بکار خواهد رفت.

بقیه از صفحه ۱۶

چشم دوختن به حکومت و نه به توده ها و انقلاب، در دام بود. رزوازی گرفتار آمده و در زمان حملات مستقیم به خود بخوبی ماهیت این حامیان خود را دیده اند. همچنان با اتخاذ سیاستهای سازشکارانه به توهم توده ها دامن میزنند:

* * *

حکومتگران و حامیان منافع سرمایه داری سرمایه داران برای خاموش کردن مبارزه مردم علیه بهره کشی و استثمار و استثماریه های مختلفی دست میزنند. آنها نه تنها به سرکوب وحشیانه و جنایات آشکار دست میزنند بلکه همواره سعی در فریب مردم و به انحراف کشاندن مبارزات آنان نیز دارند، آنها گاه به میدان وارد شده و خود را حامی منافع مردم نشان میدهند و گاه خود را حامی سازمانهایی که مردم به آنها اطمینان دارند، نشان داده و میکوشند که با به سازش کشاندن رهبران این سازمانها و دادن امتیازاتی به این رهبران و حتی آوردن آنها در حکومت، مبارزات توده های را که به این رهبران و انقلابی بودن آنها اطمینان دارند، به سازش بکشانند. تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان از این نمونه ها بسیار دارد و سیاستهای سازشکارانه و خیانت های حزب توده در سالها ۳۲-۳۵ با رزترین تجربه مردم ما بوده است.

تمام تلاشهای بنی صدر برای جلب رهبران مجاهدین تا قبل از آنکه حمله به مجاهدین خلق "رسمی" شود از این دست سیاستها بود. بنی صدر و جناح بورژوازی هیئت حاکمه، بازرگان و غیره در مرحله دوم از حضور رجوی در مجلس پشتیبانی

کردند، اینان به مجاهدین اجازه سخنرانی و مناظره تلویزیونی میدادند و حاضر بودند با آنها بر سر میزگرد وحدت جمع شوند و بنی صدر تا آنجا پیش رفته بود که میخواست یک "جبهه اسلامی از مسلمانان سنتی، مسلمانان مترقی، و التقاطی ها" بوجود آورد، و امیدوار بود که در این صورت، با رفتن رهبران سازمان مجاهدین در مجلس، اینان بیش از پیش و در حالیکه چشم به درست کردن اوضاع "از بالا" دارند، هواداران انقلابی خود را به دست شستن از هر نوع مبارزه ای دعوت کنند.

اما با یک فتوای آیت الله خمینی حمله به مجاهدین در پی ارتجاع و هیئات حاکمه به سازمان مجاهدین آغاز شد و نقش بر آب شد. این خائنین و جنایتکاران از زمان دن هیچ اتهامی به سازمان مجاهدین خلق که سالها علیه رژیم شاه مبارزه کرده بود، کوتاهی نکرده و حتی رهبران و اعضاء سازمان مجاهدین را عده ای دزد معرفی کردند.

در این میان بنی صدر و جناح بورژوازی که بقای خود را در حکومت در گرو حمله به سازمان مجاهدین میدید تمام قول و قرارهای خود را فراموش کرده و التقاطی ها را از جبهه واحد اسلامی خود بیرون راند. بنی صدر ۳ روز بعد از فتوای حمله رسمی به مجاهدین، در یک مصاحبه با روزنامه انقلاب اسلامی گفت: "جبهه اسلامی باید از گرایش های مسلمانان تشکیل بشود... التقاطی خارج است و در مرز است و آنها که در داخل محدوده هستند بیایند و شرکت کنند، و در پاسخ سؤال

خبرنگار در مورد مناظره تلویزیونی مجاهدین و اینکه اینها غالباً بحث آزاد را نمی پذیرند گفت: خوب اینجوری که نمیشود، یعنی باید فقط چماق باشد؟... و تیکه بحث را نمی پذیرند در واقع این چماق بازی زیر سر خودشان است!" (دوشنبه ۹ تیر انقلاب اسلامی ص ۲)

آری حامی سازمان مجاهدین خلق در حکومت که رهبری مجاهدین همواره در پی دادخواهی در پیشگاه او بر می آید و شکایت حزب جمهوری اسلامی را و چماق کشی های بیش از پیش او میبرد بعد از آنکه حمایت از مجاهدین را معادل تضعیف قدرت خود دید در پی آن برآمد و موضع خویش را تصحیح کند.

رشد مبارزه طبقه ای، وحشت حکومت از قدرت گرفتن سازمان مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی و کمونیست اینان را به حمله مستقیم به این سازمانها کشاند و هر کس که میخواست در حکومت باقی بماند میبایست به این سازمانها حمله کند، و آنان را مشتکی ضد انقلاب، آمریکایی، منافق و حتی کودتاچی معرفی کنند، و این تمامی فریبکاری های دیروز بورژوازی را بر مولا کرد و آزادبخواهان ظاهر فریبی چون بنی صدر را نیز رسوا نمود. این درس مبارزه طبقه ای به تمام کسانی بود که چشم به بالا دوخته بودند. اما سازمان مجاهدین خلق این درس را نیا موخت! علی رغم روشن شدن علل سیاستهای مماشات جویانه بنی صدر با سازمان مجاهدین، با وجود روشن شدن ماهیت ضد انقلابی بنی صدر، باز هم سازمان مجاهدین از آقای رئیس جمهور "میخواهد که از او در مقابل آنها مت"

روزنامه جمهوری اسلامی در مورد کودتا دفاع کند!؟ آیا این جز چشم دوختن به بالا و جدا شدن از توده ها و انقلاب است؟

با یاد از سازمان مجاهدین خلق پرسیدم گراین "حرفها" و "توضیحات" بنی صدر بود که صداقت و انقلابی بودن سازمان مجاهدین خلق را به توده ها ثابت کرد؟ آیا هواداران سازمان از دهان بنی صدر انقلابی بودن سازمان را باور میکنند یا پشتوانه انقلابی بودن سازمان مبارزه و فعالیت انقلابی این سازمان میباشد؟ آیا در دست رفع اتهام توسط بنی صدر نشان نمیدهد که سازمان مجاهدین خلق برای این است که توده ها حرفهای بنی صدر را بیش از دلایل و استدلال سازمان مجاهدین می پذیرند؟ آیا سالها مبارزه و سیاستهای شما علیه رژیم شاه برای این مسئله که شما نمیتوانستید در کودتای مزدوران امپریالیستی دست داشته باشید نیست که اینک از بنی صدر این حامی سرمایه داری وابسته و حامی منافع سرمایه داران و سرکوبگر مبارزات زحمران و زحمتکش و خلقها و زمین ساز کودتای امپریالیستی که بی شرمانه از ارتش شاهنشاهی دفاع میکنند میخواهد که از عدم دخالت شما در جریان کودتا "سخن بگوید و از شما دفاع کند!؟"

* * *
نه! راه انقلاب از اتخاذ چنین سیاستهای سازشکارانه نمیگذرد! در شرایط رشد مبارزه طبقاتی و آوج گیری آتی انقلاب این وظیفه تمام نیروهای انقلابی

بقیه در صفحه ۱۴

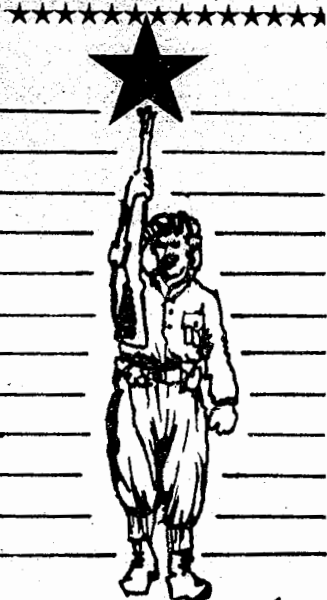
سازمان مجاهدین خلق چه میکند؟ بعد از تنها جماعات شدید رژیم جمهوری اسلامی به سازمان مجاهدین خلق و رسمی شدن این حملات، این سازمان فعالیت های خارجی خود را محدود کرده است. روزنامه

کاری جز سرکوب، ایجاد ناراحتی و فزودن خشم و کینه توده ها ندارد و در حالیکه ایجاد یک قطب انقلابی برای جذب توده هایی که روز به روز بیشتر از حکومت میبرند، برای ادامه انقلاب اهمیت

اتهام کند!! سازمان مجاهدین خلق در چنین شرایط رشد مبارزه طبقاتی که ترس از قدرت گیری قطب های انقلابی و رشد نیروهای انقلابی کمونیست در ایران خواب از چشم

آیا مجاهدین خلق از مبارزه طبقاتی درس می گیرند؟!

سازمان مجاهدین خلق که بارها و بارها با ایجاد سیاه شایعات و شکارانه با چشم دوختن به حکومت و نه به توده ها و انقلاب در دام استبداد واری گرفتار آمده و در زمان حملات مستقیم به خود، همه حوسلی ها هستند این حاکمان خود را دیده اند، همچنین با ایجاد سیاه شایعات و شکارانه به توده توده ها دام می گیرند!



اخبار کردستان قهرمان

۳۰ تا ۴۰ نفر از پیشمرگان کومه له شبانه وارد محله ای در سنندج شده و پاسدار ها را از آنجا فراری میدهند، آنها تا صبح دوشهر بوده و با مردم که از آمدن آنها به شهر سرا زپانمی شناختند، گفتگو کردند در این مدت پیشمرگان قهرمان کومه له ۱۱ نفر از جانش ها را دستگیر و محاکمه کردند. صبح پیشمرگان بدون هیچ تلفاتی از شهر خارج شدند. بعد از رفتن پیشمرگان پاسداران عده ای از اهالی همان خیابان و محل را دستگیر کرده و از آنها میخواهند محل ورود پیشمرگه ها را بگویند دهند که مردم قهرمانان در مقابل این خواست آنان و خیانت به فرزندان قهرمان خود مقاومت میکنند. بقیه در صفحه ۱۴

امیر یالیسم ربوده و سرکوب بهای رژیم جمهوری اسلامی هم برای خاموش کردن مبارزه طبقاتی راضی نمیکند، به جای افشای هیات حاکمه جمهوری اسلامی که با حفظ ارتش ضد خلقی سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و سرکوب کمونیست ها و انقلابیون و سعی در جدا کردن نیروهای انقلاب بی از توده ها، خود زمینه ساز کودتا و قدرت گیری نوکران مستقیم و مزدوران امپریالیسم است، از همین هیات حاکمه و شخصاً بنی صدر میخواهد که موضع سازمان مجاهدین خلق در مخالفت با کودتا و حتی کمک به کشف کودتا را بگوید توده ها اطلاع دهد و در واقع از انقلابی بودن و صادق بودن سازمان مجاهدین خلق دفاع کند!! سازمان مجاهدین خلق که بارها و بارها با ایجاد سیاه شایعات و شکارانه، بنا بقیه در صفحه ۱۵

حیاتی یافته است نه تنها از فعالیت علنی و موضع گیری روزمره دست شسته است بلکه از بنی صدر میخواهد که از سازمان مجاهدین خلق دفاع کند!! جریان از این قرار است که بعد از افشای کودتای مزدوران امپریالیسم روزنامه جمهوری اسلامی سازمان مجاهدین خلق را در کودتا شریک دانسته و این سازمان از بنی صدر میخواهد "برای روشن شدن" اذهان عمومی با افشای تمام جزئیات مردم را در جریان واقعیت کودتا قرار دهد!! سازمان مجاهدین خلق از بنی صدر یعنی از کسی که در جریان کودتا، قبل و بعد از آن همواره از ارتش و سران مزدوران چون باقری، فلاحتی و... دفاع کرده است، همان کسی که ارتش را پشتیبان مردم معرفی کرده و از آن بخاطر سرکوب مبارزات خلق کرد، تشکر کرده است میخواهد که از سازمان مجاهدین خلق رفع

مجاهد چاب نشده و دفترهای علنی سازمان همچنان بسته مانده است. اینک سازمان مجاهدین خلق انتشارات خارجی خود را تنها به دفاع از تنها جماعات روزافزون و اتهامات بی شرمانه حکومت محدود کرده است و تنها در مقام بیل دروغها و تحریفات آشکار خرده بورژوازی حاکم، چون خارج شدن ۳ نفر از کادرهای سازمان، جدا کردن گروه ابو ذرا از سازمان مجاهدین و پیام دانشجویان پیرو خط امام، به مقام پاسخویی افتاده و از افشای عملکردهای خائنانه و سیاست های ضد انقلاب بی هیات حاکمه و شرکت فعال و همه جانبه در مبارزات مردم دست شسته است. سازمان مجاهدین خلق به دنبال سیاست های سازشکارانه اش در رابطه با بنی صدر، اینک که مزدوران امپریالیسم شب و روز در فعالیت هستند و هیات حاکمه نیز

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشانشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!